

## فعالیت مجلس ششم آغاز شد

### اکنون نوبت پرداختن به وعده‌هاست

بیرون و در مجلس ششم  
کاندیداهای نیروهای ملی  
اصلاح طلبان حکومتی با تاکتیک  
«خط آرامش» به مجلس ششم  
رسیدند اما در این فاصله جیوه  
اصلاحات ضربات سنگینی  
خورد: ۱۷ روزنامه در فاصله  
یک هفته تعطیل شدند، ددها  
مجلس ششم اجتناب ناپذیر بود؟  
مجلس ششم ترکی است از  
نایاندگان اصلاح طلبان حکومتی  
و تمامیت گرایان، کل نایاندگان  
مطبوعات تصویب شد، نهادهای  
وابسته به رهبری از حوزه تحقیق  
و تفحص مجلس خارج شدند،  
اعتبار نایاندگی آنان تاکنون  
تایید شده، نزدیک به ۲۰۰  
نایاندگان جزو اصلاح طلبان  
حکومتی هستند. تفکیک این  
نیروها که با عنوان «جهبه دوم  
خردادی» وارد مجلس شده‌اند  
کار دشواری است اما به طور  
ادامه در صفحه ۲

دشوار و درازی پیموده شد.  
گشایش مجلس ششم که مردم  
مشتاقانه در انتظار آن بودند  
فرارسید و ستاریوی تلخی که  
تسامت گرایان علیه مجلس  
تسارک دیده بودند، شکست  
خورد. در آستانه هفتم خرداد  
تلیم رفیضانی در برابر فشار  
مردم، شکست مضاعفی بود که بر  
جهه ضد اصلاحات وارد شد.  
تمامیت گرایان علیغ غم تا خیر سه  
ماهه در اعلام نتایج ارای تهران،  
وقتی و باطل کردن رای پیش از  
تغلق و بیان اصلاح طلبان حکومتی  
منابع اصلاح طلبان حکومتی  
با نیروهای ملی - مذهبی و پایه  
اجتماعی آن آسیب دید.  
تمامیت گرایان با چنگ روایی که  
به راه انداختند فرستاد پیافتند  
گستاخانه سیاست ایجاد شکاف  
در میان اصلاح طلبان و «قلع  
قطع» بخش رادیکال آن را پیش  
ادامه در صفحه ۲

## تظاهرات دانشجویی در اعتراض به قلب انتخاباتی

### و بازداشت فعالین سیاسی

از شعارهایی که در تظاهرات این  
شعار می‌دادند: روز بزرگ ایران و دیگر  
شرکت‌کنندگان جاری شد عبارت  
جنتی چاکن، تقلب را راه‌ها کن  
جنتی، جنتی، تو دشمن ملتی  
تدارک دیده بودند، شکست  
خورد. در آستانه هفتم خرداد  
گردد، سیمای آمریکایی خاموش  
باید گردد. انصارهای لعنی،  
مزدورهای جنتی  
تظاهرات دانشجویان سرانجام  
مورد حمله انصار حزب الله قرار  
گرفت و به زد و خورد کشانده  
شد. خبرگزاری جمهوری اسلامی  
(ایران) در خبری که از این  
تظاهرات منتشر کرد نوشت:  
«تجمع غیرقانونی در دانشگاه  
تهران که عصر امروز چهارشنبه  
برگزار شد با دخالت گروهی که  
مصدق، مصدق راهت ادامه  
دارد. فروهر راهت ادامه  
حرب الله» یاد می‌شد به خشونت  
کشیده شد. پس از تجمع انصار حزب الله

دانشجویان در تظاهرات خود شعار می‌دادند:

- عالی جناب سرخوش حیاکن، مملکت را راه‌ها کن
- جنتی، جنتی چاکن، تقلب را راه‌ها کن

روز چهارشنبه ۲۱ اردیبهشت  
علی‌غم لغو تظاهرات دعوت شده  
از سوی «جهه متحد  
دانشجویانی که در داخل دانشگاه  
دانشجویان و گروهی از  
شاعر میداند و هم تظاهرکنندگان  
نیز در بیرون دانشگاه شعارهای  
کرده و دست به تظاهرات زدند.  
آنان در شعارهای خود به  
بازداشت فعالین سیاسی، توقیف  
روز نامه‌ها، تقلب در انتخابات  
تهران و سیاست‌های سیمای  
نیروهای انتظامی تظاهرکنندگان  
بیرون دانشگاه هم به داخل آمدند  
از ورود دانشجویان به خیابان و



### از حقوق و آزادی همه زندانیان در بند دفاع کنیم

می‌داند که با آنها چه می‌رود.  
اهم‌هایشان شکست خوردند و  
هش عصیت‌شان نیز از آن است.  
برلین دستگیر شدند، به بهانه  
شرکت در این کنفرانس، ولی  
زندان بسری برند، از کسانی  
همچون توسلی که سال‌ها پیش به  
زندان کشاند، مبارزه آنها در  
میدان منوعه بی بود که حقوق  
زنان نام دارد. در میدانی به  
گوش می‌شلایی که از مقوف  
اویله زنان گفتند تا دانشجویانی  
که در ۱۸ می‌کنند، هم دو صدای موثر را  
خاموش کرده‌اند و هم شاید که  
تمامیت گرایانی که حق حیات را  
زندان‌های طولی‌الدت محکوم  
پایین اورند. آنها گمان می‌برند  
که این چیز آب رفته را به جوی  
ازمراهانی نافرمانی‌های کوچک و  
زیز طفی در حق زنان می‌دانند در  
سویی دیگر. اینان غیر از  
اصلاحات، بسیار ضعیف‌تر از آنند که خود و انسود می‌کنند. دوم  
خردادی‌ها اگر واقعاً می‌خواهد در آرای دستکاری کند.  
اصلاح طلبان حکومتی از این واقعه باید این درس را بگیرند که فریب  
تبلیغات قدرت‌نایانه، جبهه مخالف دوم خرد را نخورند. مخالفان  
اصلاحات، بسیار ضعیف‌تر از آنند که خود و انسود می‌کنند. دوم  
کنند، نیازی به امتیازدادن به دشمنان اصلاحات ندارند.  
اگر، نیروهای جبهه دوم خرد باید بدانند که مردم، به ضعف و  
تشتت مخالفان اصلاحات، پی برده و سطح انتظارات خود را ارتقا  
داده‌اند. دیگر از میان اصلاح طلبان، کسی نمی‌تواند مردم را با اشاره  
با عزم راسخ و قدرت بیکران مخالفان اصلاحات، بتراوی و آرام کند.  
قبل از همه، دانشجویان با ای اعتمانی به مسونیت اعلام شده توسط  
وزارت کشور دولت خاتمی، به میدان آمدند تا از آرای مردم پاسداری  
کنند. اصلاح طلبان حکومتی اینکن نیاید مردم و دانشجویان را تنها  
بگذارند، که اگر چنین کنند، مردم در اولین جلسه انتخاباتی که بیانند، راه‌های  
دیگری به جز اصلاحات از درون جمهوری اسلامی را خواهند جست.

### دزدی آرای مردم هم

### در رفسنجانی رادرمان نکرد

عاقیت احمد جنتی، دزد آرای مردم هم نتوانست رفسنجانی را بد  
مجلس ششم بفستند. شورای نگهبان، بی‌آبرویی بی‌سابقه‌ای را  
برای خود، رهبری جمهوری اسلامی و رفسنجانی به بار آورد، او را از  
رتبه ۳۰ به رتبه ۲۰ ارتقا داد، اما رئیس جمهور منفور ساقی که در  
میان مردم به نامهای مانند عالی‌جاناب سرخپوش و اکبرشاه ملقب  
است، زیر فشار افکار عمومی ناکری از اعلام انصراف از نایاندگی  
مجلس ششم شد.  
ارتقای اعجاز‌آمیز رفسنجانی از رتبه ۳۰ به ۲۰ و انصراف او، آن هم  
ظرفیت‌تر از یک هفتاد، بیانگر تشتت و نداشتمانی در صفت مخالفان  
اصلاحات است، معلوم می‌شود جنتی و رفسنجانی کارهای خود را  
جنبد همراهانگ نکرده‌اند، و گزنه نیازی به رسوانی بسیاره دزدی  
آرای مردم نیوی. به نفع جبهه مخالف دوم خرد بود اگر رفسنجانی  
پیش از تقلب بزرگ شورای نگهبان، انصراف او داد. رفسنجانی به  
چه امیدی تا آخرین لحظه از اعلام انصراف خودداری کرد و گذاشت  
تاجنتی با او مانند دیر مدرسای که برا برای یک شاگرد تنبیل،  
پارتی بازی کند فتخار کند؟ آیا اکبرشاه، طبع داشت که شورای  
نگهبان، او را نایاندگی اول تهران کند؟ آیا رفسنجانی در هفته گذشته  
با مذاکرات خود دریافت که حتی همه نایاندگان حزب کارگزاران نیز  
به ریاست او در مجلس رای نمی‌دهند؟  
پاسخ این سوالها هر چه باشد، رسوانی دزد آرای مردم و سپس

اطلاعیه شورای مرکزی سازمان  
福德ائیان خلق ایران (اکثریت)  
انصراف رفسنجانی نشانه شکست  
تمامیت گرایان و پیروزی مردم است

در صفحه ۲

به مناسبت روز جهانی کودک  
یونیسف: در جهان تکنولوژیک  
هیچ عذری برای رنج کشیدن کودکان  
پذیرفتنی نیست

در صفحه ۵

### در این شماره

تحولات اصلاح طلبان و آزادی‌خواهانه فرار و بینده ملی  
و ولایت مطلقه فقیه بی‌اینده

مجید عبدالرحمنیور  
در صفحه ۷

### فلاتک خدای بی‌سرمه است

فرخ نکهدار  
در صفحه ۸

### نقش عرفی‌گواني در اصلاحات سیاسی

حسرو یاقوبیور  
در صفحه ۸

### نگاهی سخت و بی‌مدارا از سوی یک اصلاح طلب

ملیحه محمدی  
در صفحه ۱۰

### مروری فشرده بر وضعیت حبس کارگری ایران

دانش باقریور  
در صفحه ۱۱

نشریه «کاره» را از هر طریق ممکن به دست خوانندگان آن

در داخل کشور برسانیدا

اطلاعیه شورای مرکزی سازمان

## فدائیان خلق ایران (اکثریت)

پیرامون اعلام نتایج انتخابات تهران

## مردم دستپخت شورای نگهبان را نمی پذیرند!

شورای نگهبان بعد از سه ماه تعطیل سرانجام پیش از ۷۰۰ هزار (درصد) آرای مردم تهران را باطل کرد. رفستجانی را با جهش شکفت آور از مرتبه سی ام به پیست رساند، حداد عادل را که جزو لیست جامعه روحانیت مبارز تهران بود و در لیست سی نفره قبلی جای نداشت، به نایاندگی تهران ارتقا داد و علیرضا رحائی کاندیدای جبهه دوم خرد و نیروهای ملی - مذهبی را از لیست حذف کرد و حتی اعلام ننمود که بالآخره این نماینده منتخب مردم در کدام رتبه قرار گرفته است.

شورای نگهبان با این عمل نشان داد که رای و اراده مردم را بد بازی گرفته است و منافع چنان خود را بالاتر از مردم و رای آنها می داند و بدون هیچ توضیحی کاندیدائی را که بنظر آنها «غیرخودی» است از لیست حذف می کند و برای اینکد راه بازیچناب سرچوش را برای قضه ریاست مجلس شورا باز کند، در مقام پیست متتخین مردم می نشاند.

مردم در انتخابات مجلس ششم به تمامیت طلبان و ارگانها و نهادهای حمامی آنها و به رفستجانی «نه» بپرسی گفتند. آنها با رای و شرکت آگاهانه شان، نمایندگانی را که اعلام کردند شعار «ایران برای همه ایرانیان» را می خواهند تحقق بخشنند، راهی مجلس کردند. امروز مردم آنچه را دستیخت شورای نگهبان است نمی پذیرند و رفستجانی و حداد عادل را نماینده خود پیش‌ساز نمی آورند. این دو نماینده مردم تهران نیستند، بلکه منتخب شورای نگهبان هستند. انتظار مردم این است که نمایندگان اصلاح طلب به آن دو برای هیچ مقام و مسئولیتی در مجلس رای ندهند و اعتبارنامه‌اشان را زیر سوال ببرند و از شورای نگهبان بخواهند که به مردم و به مجلس شورا توضیح دهد که پگونه و با چه شکری آن دو در لیست متتخین تهران جایگرفته‌اند.

اما بهمنهار نیروهای آزادی‌بخواه کشور، به بازی گرفتن رای و اراده مردم و بطال بخشی از ارای آنها را محکوم می کنیم و معتقدیم که این اقدامات نخواهد توانست مردم را از صحنه سیاسی کشور بیرون راند. مردم در صحنه‌دان و مصمم هستند که رای و اراده خود را به کرسی نشانند.

اطلاعیه شورای مرکزی سازمان  
فدائیان خلق ایران (اکثریت)

## انصراف رفسنجانی نشانه شکست

تمامیت‌گرایان و پیروزی مردم است

عاصمی رفسنجانی دیروز با انتشار نامه‌ای از نمایندگی مجلس شورا نصراف داد. او وجود «ابهامات و شباهت‌های در نتایج انتخابات تهران» را دلیل انصراف خود نامید. شورای نگهبان که بعد از انتخابات، آرا مردم تهران را به گروگان گرفته بود، سرانجام با جایگاهی‌های مستعد نتایج انتخابات را اعلام کرد و رفسنجانی را بصورت جهش‌وار از مقام سی‌آم به مقام پیستم رساند و معلوم نکرد که چگونه و با چه شکری اورا چنین رقماً مقام داده است.

قدام نایبیهنجار شورای نگهبان اعتراض و خشم عمومی را برانگیخت و  
کوشیدای از آن در تظاهرات داشجویان و شعارهای آنها بازتاب یافت.  
آنها با بلندکردن پلاکارادی که روی آن نوشته شده بود = ۲۱ و با  
شعارهایی که علیه رفستجانی فریاد می‌کردند، اعلام نمودند که  
رفستجانی نماینده منتخب مردم تهران نیست بلکه منصوب شورای  
نگهبان است. تنی چند از نمایندگان نیز اظهار کردند که در مجلس  
اعبارنامه او را زیر سوال خواهند برد. با این اعتراض‌ها و اظهار نظرها،  
نه تنها مقام ریاست مجلس، بلکه نمایندگی او نیز زیر سوال رفت.  
ورود به صحنه مبارزه انتخاباتی، شکست سنگین در انتخابات،  
ای سازی‌ها، حذف یکی از مستتخین و ارتقا مقام توسط شورای  
نگهبان و سرانجام اتصاف از نمایندگی، رفستجانی را از نفر دوم نظام  
به یک میت سیاسی تبدیل کرد. مردم با آرا خود او را از اوج قدرت به  
خطیض ذات نشاندند و شکست سنگین دیگری را بر تسامیت طبلان که  
می‌خواستند حول وی ائتلافی را تشکیل دهند و او را به مقام ریاست  
مجلس پرسانند، تحییل کردند. شکست رفستجانی، شکست تمام

مردم ایران و نیروهای آزادبخواه و اصلاح طلب کشور! نصراف رفسنجانی از نایابندگی مجلس، پیروزی مردم و نیروهای صلاح طلب کشور، نشانه شکست و بی شمر تهاجمات سخالین صلاحات در ماههای اخیر است. تهاجماتی که رفسنجانی در هدایت نهن نقش اول را داشت. باید این پیروزی را پاس داشت و با روحیه نوی تر و با تمرکز قوای بیشتر، فرایند اصلاحات سیاسی را پیش برد.

شورای مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) ۶ خرداد ماه ۱۳۷۹

پیانیه شورای مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

## به مناسبت آغاز کار دوره ششم مجلس شورا

خواست مردم از مجلس، تحقق شعار «ایران برای همه ایرانیان» است!

جامعه ما است. پرداختن به مسئله اصلاحات سیاسی نایاب به منزله چشم پوشی و یا کم توجهی به آین معضل باشد. مجلس در هماره ای و همگامی با دولت می تواند گام های موثر در راه مهار بحران اقتصادی، رونق بخشی به اقتصاد کشور، سازگاری کردن سرمایه های سرگردان به سوی بخش تولید، فراهم آوردن شرایط مساعد برای سرمایه گذاری، کاهش تورم، اتخاذ تدبیر ضرور برای کاهش فقر و بیکاری، تعدیل درآمدها، گسترش تامین

گاهی مردم هستند و می‌توانند  
شتوانه قوی برای مجلس  
صلاح طلب باشند و خواست‌ها و  
طلبات مردم را به گوش  
جلیان برسانند.  
مسئله دیگر در تحقیق شعار  
ایران برای همه ایرانیان» و  
بیشترد اصلاحات سیاسی لغو  
ظارت استحوابی شورای  
گنجیگران با تغییر قانون انتخابات و  
رام اوردن شرایط شرکت همه  
پروهای سیاسی کشور در  
انتخابات مجلس، ریاست  
جمهوری و شوراهای مجلس

ر مقابل آن ایستاده‌اند. آنها خواهند که اصلاح طلبان این اگر راکنار بگذارند و بر ارتقای سخامت دیوار بین "خودی" و "پیرخودی" بیفزایند. اما است مردم آن است که مجلس را به فشار نیروهای مخالف للاحات سنگینی نکند، شعار ران برای همه ایرانیان" را در اسانی مجلس نقش بند و دیوار تخمیم و بلندی که جمهوری "لامی در این بیست سال بین خودی" و "غیر خودی" کشیده است، به تدریج با تصویب لواح

دوره ششم مجلس شورا امرور هفتمن خردادماه گشایش می یابد. اکثریت مردم ایران با چشم آمید به این دوره می نگرند و انتظارات زیادی از آن دارند. در این دوره انتخابات است که صفت آرایی پارزی بین جناب های حکومتی شکل گرفته بود، مردم به کاندیداهای مخالفین اصلاحات «نه» گفتند و اصلاح طلبان حکومت را راهی مجلس نمودند. انتخابات مجلس پیروزی بزرگی برای اصلاح طلبان و آزادی خواهان

اجتسابی و درمان و پیه، سه  
همگانی بردارد.  
مجلس اصلاح طلب وظایف و  
مسئولیت بس بزرگ و سنگینی  
در مقابل دارد. اگر دوره جدید  
مجلس نخواهد همان شوههای  
قبیل کار و مدیریت را پیش برد،  
از پرداختن و پیشبرد مسائل کلان  
جامعه ما بازخواهد ماند. از ابتداء  
لازمست که نمایندگان  
اصلاح طلب به این موضوع توجه  
نمایند. از درگیری کردن مجلس با  
مسائل فرعی اجتناب ورزند،  
استراتژی معینی را برای پیشبرد  
پروژه توسعه سیاسی و مسائل  
اقتصادی بهسازی زندگی مردم  
تدوین نمایند، به کار کارشناسانه  
بهای و ارزش دهند، تشکل‌ها و  
گروههای اجتماعی ذیستغ را در  
تدوین لواح شرکت دهند، با  
تشکیل کمیسیون‌های تخصصی،  
اجزاء و مؤلفه‌های مربوط،  
اصلاحات سیاسی، مسائل  
اقتصادی را مورد بررسی، قرار

مسئله کاتانوی در پروره  
و سعد سیاسی برداشتن موانع  
راه فعالیت آزادانه و قانونی  
حراب و سازمان‌های سیاسی  
شور است. حضور و فعالیت  
نظامی‌ها و تشکل‌های واپسی  
جنگ‌های حکومتی بد تهائی  
شانه وجود مردم‌سالاری در  
شور نیست. آنها هواهه آزادانه  
فعالیت سیاسی پرداخته‌اند.  
چه اصلاحات سیاسی را به  
حکم می‌زنند، حضور و فعالیت  
مموم جریان‌های سیاسی کشور  
است. اگر مجلس با درایت و  
خواهان تدبیر سنجیده گام در راه  
راهام اوردن شرایط فعالیت  
مموم جریان‌های سیاسی بردارد،  
 قادر خواهد شد، اصلاحات  
سیاسی را به تدریج در کشور  
بایدینه کند. برای فراهم آوردن  
بنین شرایطی ضروری است  
مجلس شورا با تصویب قوانین  
اده، سان، اندیشه، اجتماعات

در این راستا از ابتدا لازم است  
ت رئیس و رئیس مجلس را از  
ن کسانی انتخاب کرد که به  
من شعار پایانند هستند و  
همم اند که پروره اصلاحات  
سی در کشور را پی بگیرند.  
نم در انتخابات مجلس شورا  
ترین آراء خود را به سود  
پیشرو جبهه دوم خداداد، در  
ندوق ها ریختند و انتظار  
ند که رئیس مجلس از میان  
های گزیده شود و در رأس  
مجلس اصلاح طلب، چهره  
شخص اصلاح طلب بشنید. هیچ  
ر قانونی گه تراکیی شاخص  
صلاح طبلان را در مقام هیئت  
سه و رئیس مجلس مانع شود  
سود ندارد. پویژه این که  
سنگانی بر اثر فشار افکار  
گمومی از نمایندگی مجلس  
را انصاف داد.

در سرلوحه و ظایف مجلس  
۱. مستله اصلاحات سام،

تخصیص مصلحت نظام احتمال  
خواهد شد و بحران ساختاری و  
بحران و منابع بین مجلس و  
شورا و شورای نگهبان و مجمع  
تشخصی مصلحت نظام شکل  
خواهد گرفت و روند مصوبات  
مجلس با دشواری‌ها و موانع  
جدی روپرداز خواهد شد و ما در  
اینده شاهد بروز بحران‌های  
جدیدی در نظام قانون‌گذاری  
کشور خواهیم بود که مسئله تغییر  
در قانون اساسی را به صحنه  
سیاسی کشور خواهد آورد.  
مجلس خواه ناخواه باید به این  
موضوع پردازد و برای بازنگری  
قانون اساسی راد چاره بیاندیشد.  
دوره ششم مجلس شورا  
مسئولیت سنگین و آزمون  
تاریخی دشواری را در پیش  
دارد. اکثریت مردم به نمایندگان  
اصلاح طلب و پویژه حزب  
مشارکت اعتماد کردند و به آنها  
رأی دادند. اعتماد مردم سرمایه  
گرانا، و شست‌انه بازارش، رای،  
ش

دھنند و طرحهای جامع و عملی را  
بے جلس شور ارازه دھنند.  
شکل گیری مجلس و دولت  
اصلاح طلب و همراهی و همگامی  
آئه، فرست و امکان بی سایقدای  
را در تاریخ کشور ما فراهم  
آورده است، خواست اکثریت  
مردم و نیروهای آزادیخواه و  
اصلاح طلب کشور آن است که آن  
دو از این فرست و امکان  
بی سایقد به نحو احسن برای  
تحقیق توسعه سیاسی و پیمایزی  
زندگی مردم بپرده گیرند و راه  
استقرار مردم سالاری را بازکنند.

موضوع دیگری که در مقابل جلس شورا قرار دارد آن دسته قوانینی است که مغایر ارادی های فردی و اجتماعی و لیه حقوق زنان است. خواست و نظریه حقوق زنان، جوانان و سایر شار اجتماعی این است که جلس اصلاح طلب به بازنگری بندی در این زمینه دست زند و حقوق آنها را تامین و دست بادها و ارگان های حکومتی را درخالت در زندگی خصوصی بردم قطع کند. بحران اقتصادی و انتقال مقدار سطح زندگی مردم، زایش فقر و بیکاری و تشدید کنکان اقتصادی

ر بحران اقتصادی و بهسازی  
گنگی مردم قرار دارد که باید با  
سکاری دولت و مجلس و  
بنین طرح ها و لواح به آنها  
اخته شود.

بمیر تمدن مسئله در پیشبرد  
لاحات سیاسی، مسئله  
موعات است، لغو مصوبات  
مر مجلس دوره پنجم و اصلاح  
من مطبوعات مصوبه سال ۶۴  
گونه‌نامی که انتشار مطبوعات  
ستقل را تضمین کند، راه  
انتدازی قوه قضائیه به  
مطبوعات را بیندد و امکان  
انتشار مجدد روزنامه ها و  
بیانات توصیف شده را باید کند.  
موعات مستقل و منتقد ابزار  
است

فعالت محلس، ششم آغاز شد

اکنهن نه بت داختن به و عده هاست

ادمه از صفحه اول  
عمده بین پنج فرآکسیون: جبهه  
مشارکت اسلامی، حزب  
همبستگی و حزب اسلامی کار،  
کارگزاران سازندگی، مجمع  
روحانیون مبارز و ائتلاف  
نیروهای خود امام تقیم شده‌اند.  
جهیه مشارکت با ۱۱۰ تا ۱۲۰ هزار نفر  
نماینده بزرگترین فرآکسیون را  
تشکیل می‌دهد. اعضاي  
فرآکسیون کارگزاران حدود ۲۰  
نفر هستند. از ترکیب سیاسی  
نمایندگان مجلس ششم به  
روشنی پیداست که این مجلس  
هنوز مجلس همه ایرانیان نیست  
و با شعار «ایران برای همه

راز شکست!

امروزش، به شکست انجامید. بدفکر آینده خویش افتاد. ریاست دائمی مجلس تشخیص مصلحت نظام و بال و پری که علی خانم‌ای کوشید به او بدهد، رئیس‌جمهور را زیر دستش بشاند و اختیاراتش را تا جانی که می‌تواند وسیعتر و حوزه عملش را فراختر سازد، تا چندی تمایلات قدرت‌مدارانه او را ارض‌اگردد. اما «سردار» زود دریافت این میدان، میدانی نیست که او را در صفحه اول سیاست در ایران باقی نگذارد. پس به فکر ریاست دوباره مجلس افتاد. تلاش او در این راه از همان ابتدا با تکیه بر «راتن‌خواری از قدرت» و به صورتی ناسالم آغاز شد. محافظه‌کارانی که بار دیگر در چهره او ناجی خود را یافته بودند، همراه با «قیله» او در حزب کارگزاران سازندگی، مصوبه‌ای را در مجلس تصویب کردند که او را مستثنی و بی‌نیاز از ترک صندلی ریاست مجمع تشخیص مصلحت می‌ساخت. رفسبنگانی این هدیه محافظه‌کاران را در سکوت و با رضایت پذیرفت. او از خود و جامعه تصوری کاملاً غیرواقعی داشت و هر دو «صندلی» را با هم می‌خواست.

وروذ ناسالم او به انتخابات، با پرش‌های بسیاری مواجه شد. رفسبنگانی، مردی که در برابر همه موضوعات مورد علاقه افکار عمومی «سکوت» را بر حرف زدن ترجیح داده بود، وقتی دهان باز کرد، چنان تصویری از خود نشان داد که همگان فهمیدند «عالیجناب سرخپوش» در پس بسیاری از اتفاقات ناگواری بوده است که اکنون جامعه ایران به آن‌ها معتبر است. «سردار»

دو روز پیش از اینکه مجلس ششم رسمایران خود را آغاز کند و چند روز پس از آن کسی دانشجویان در تهران طعنی انداخت اعلام کردند هاشمی رفسنجانی را نماینده مردم در مجلس ششم نمی‌شناسند، علی‌اکبر هاشمی رفسنجانی از نمایندگی مجلس ششم «انصراف» داد و عنوانی را که با «شیوه» به دست آورده بود، «داوطلبانه» بر زمین نهاد.

از شهریور ماه ۷۸ تا خرداد ماه ۷۹، از زمانی که مجلس پنجم تصویب کرد هاشمی رفسنجانی برای نشتن بر صندلی ریاست مجلس احتیاج به ترک صندلی ریاست مجمع تشخیص مصلحت ندارد، تا زمانی که متن «انصراف‌نامه» هاشمی رفسنجانی منتشر شد، تنها ۹ ماده فاصله است. اما در این ۹ ماده ستاره اقبال مرد قدرتمند جمهوری اسلامی چنان به سرعت افول کرد که هنوز نیز بسیاری آن را باور نمی‌کنند. رفسبنگانی همواره و از جمله در متن انصراف‌نامه خویش، «تبیلیقات دشمن» را عامل افول این ستاره اقبال دانسته است. و همین خود نشانه آن است که او از پایان تلغی و شکست خود هیچ نیاموخته و خیال آموختن ندارد. علی‌اکبر هاشمی رفسنجانی خود بیش از هر کس کمک کرد تا ستاره اقبالش فرو افتاد و اگر دانشجویان دلیر و روزنامه‌نگاران شجاعی بودند که او را در جای واقعی خود نشاندند، فقط پر زمینه کردار و رفتار خود او بود.

مرد همیشه تشنه قدرت» از همان روزی که تلاش‌هاش برای ریاست جمهوری سه باره، از جمله بر اثر مخالفت دولستان

Abbas Abdii:

ماندن در مجمع تشخیص مصلحت نظام هم برای رفسنجانی هزینه دارد، و به سودش نیست

عضو جبهه مشارکت ایران اسلامی، در باره آینده سیاسی هاشمی رفسنجانی تصریح کرد: در سراسر دنیا رسم بر این است که آدمها، در یک دوره کار می‌کنند، و بعد به حاشیه می‌روند، اتفاقی هم نمی‌افتد. عباس عبدی روزنامه‌نگاری که به تعییر پسیاری از نخستین پیشگامان «تخریب چهره رفسنجانی» پروده است، در واکنش به اعلام انصراف وی به خبرگزاری دانشجویان ایران گفت: هاشمی از هنگامی که در پیانی ترین رده فسهرست نایاندگان تهران قرار گرفت، قصد ورود به مجلس را نداشت، زیرا نه می‌توانست مانند یک نایانده عادی در مجلس حضور یابد، و نه شانس ریاست مجلس را داشت. عباس عبدی، عضو نگران نیاشد، میدان سیاست، این جبهه مشارکت ایران اسلامی،

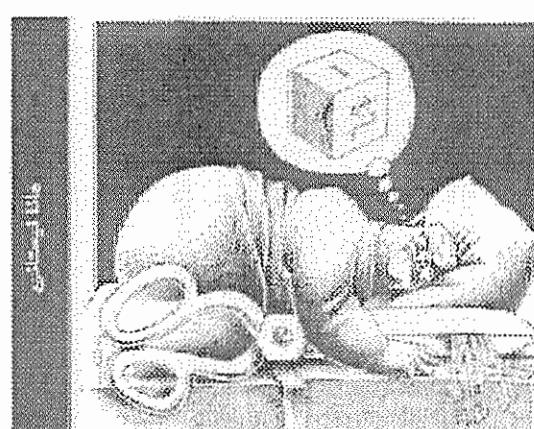
تصحيح و توضيح

در شماره گذشته کار اشتباختی تایبی وجود داشت که ضمن پژوهش دو مورد آن در زیر ذکر می‌شود.

- در مطلب «پیرامون رویدادهای سیاسی کشور و موضع ما» در جمله اینک خامنه‌ای و رفسنجانی در مقام هدایت نقشه تمامیت‌خواهان علیه اصلاحات قرار گرفتند، نام رفسنجانی از قلم افتاده بود.
- در مصاحبه با رفیق مasha'allah سلیمانی، چند سطر جا افتاده بود که متن کامل آن پاراگراف به این شرح است: «بخشی از موافقین برگزاری کنفرانس نیز اینجا و آنجا برخورده تعدادی خشونت طلب را رسیله تصفیه حساب‌های سیاسی خود قرار داده‌اند و از سازمان نیز انتظار دارند که به صفت آنها بپسندند.

در سند مصوبه کنگره ششم سازمان زیر عنوان «اهداف سیاسی، پیشنهادها و سیاست‌های سازمان فدائیان خلق ایران (اکتیریت)» مندرج در کار ۲۲۸، متوجهانه پیشنهادهای تصویب شده در زمینه سیاست خارجی در آن وارد نشده‌اند. روشی است که متن نهایی سند این پیشنهادها را نیز شامل می‌شود.

پرای اطلاع از پیشنهادهای مذکور به گزارش کنگره مندرج در همان شماره کار رجوع کنید.



آواره خانانها

بعد از پنچ چهارم  
او نهار را که فروختم ۹ - ۸ / ۵  
شروع می کنم تا ۱۲ - ۱ شب آن  
موقع هم مردم یک و عده غذا  
مسی خورند و آشغالها را  
می گذارند بیرون.  
راستی آقا مسجد آل مینیوم  
جمع نمی کنند.  
الملینیوم رو ماشین دارا جمع  
می کنند.  
ماشین دار!؟ یعنی یک نفر  
ماشین می خرده و بعد این کار رو  
انجام می دهد؟  
می گم دیگه رفیق بایستی  
بیای سید اسماعیل یا دروازه غار  
حسابی روشن شی که چه خبره.  
بالاخره نگفته این برنج هایی  
که داخل ظرف جمع کردی رو  
می خواهی چه کار کنی؟  
صریکن سرکیسه ام رو بپندم.  
باشه... و می نشیند روی  
آشغال داغ کنار خیابان آستین ها  
را بالا می زند و با همان  
دست هایی که یک ساعت تمام  
آشغالها را اینور و اونور می کرد  
مشغول خوردن برنج و سه چهار  
تیکه گوشت باقی مانده از غذا  
صد نفر می شود.  
ای بابا، این مگه چقدر قیمت  
داره؟  
می گم از اروپا او مدلی باید  
جون بدhem یک کیلو.  
پلاستیک پسیدا بکنم و  
بپرداشمن ۸۰ تومان این یکی  
رو می فروشم ۱۰۰ تومان ۷ نه  
سخنگنه، نه جا می گیره.  
از این قیمتی تو؟ آدم به  
رفیش دروغ نمی گه.  
بین همان ماهی که  
شصت هزار تومان گیرم آمد داخل  
اشغالا یک گوشواره شکسته  
پیدا کردم.  
گرانتر از اینها چی؟  
نه جون بچدهام، تو این ها را  
می خواهی چیکار؟ نکته خودت  
را هم می خواهی بیای قاطی ما  
 بشی.  
روزنامه هون رو که بینند  
شايد دیدی که او مدمیم! حالا  
ساعت کاری است چطوره؟  
شش صبح می زنم بپیرون تا  
پنچ بعد از ظهر یک و عده جمع  
می کنم. شرکت ها تا پنچ یک  
و عده غذا می خورند و آشغالا رو  
می گذارند بپیرون دیپر بجنیم  
باختم، بعد هم می برم ملوای.

افسوسی. یک ستاد مهم ارتاجع  
تعطیل شد و جای خود را به یک  
مرکز اصلاح طلبانه داد. تغییری  
که باید جنبش اصلاح طلبانه  
راگاهها به پیش ببرد. به این

قوه قضائیه کرد. وزارت کشور  
پس از آنکه خویشتنداری و  
دعوت به مذکوره و مصالحه،  
سرانجام همان سلاحی را به دست  
گرفت که شورای نگهبان در  
شد که محافظه کاران سیاری از  
برنامهای خود را تنوانتند  
پس از آن را قبل از تشكیل  
 مجلس ششم به موردن. اکنون  
نوبت مجلس ششم است تا با  
تشکیل «کمیته حقیقت یابی»  
که میتوک آن فعلاً در زندان این  
در شرایط نامناسبی گرفتار  
کاندید نیروهای ملی و مذهبی  
است، پرده از این پرسونه  
بردارند، فکری به حال مطبوعات  
در توقف کنند، گامی در جهت  
آزادی زندانیان در بند بردارند  
و... دشوار است بتوان متصور کرد  
محافظه کاران نیرو و روحیه ادامه  
پیغام سازی با ابعاد و سیرعت  
فعلی را حفظ کنند. اکنون آنها  
باید به اهدافش، دست کم در  
آن زمان، شکست خورده است.  
ایطال مقصدهای رای در تهران  
تسویه کردن و از تایید انتخابات  
چند شهر دیگر نیز که ملی -  
مذهبی ها در آن نایاندهای دارند  
(اراک و همدان...) هنوز  
خودداری میکنند.

شدم که ظاهراً مشارکت اسلامی.

آنها برای این بود تا مجلس

محمد رضا خاتمی پیکی از

طرفین را راهی زندان کنند!

در گیری با تحریک شورای

نگهبان شروع شد که ابطال

مخفی هزار رای مردم تهران را

کافی نمیدند و برای فرستادن

- مذهبی ها با آنها شریک

نمودند. در اوج این کشاشها

دیگری مورد نظر غرب و غضب

نقطه پایان گذاشت. بدون

میله های اولین شکایتی را تقدیم

نمی کردند از سوی داشجویان  
«استقبال» شدند. چنانش  
ارعای که به مدت چندین هفته  
برکشور حاکم بود شکست و در  
حال که محافظه کاران از طقای  
کاندید اتوریش برای انتخابات  
دست داشت و علیه آیت الله  
مجلس کرده بود. نتیجه این  
جتنی شکایت کرد. اگر روال  
فرستجانی را به عدم تصویب  
خرداد حوال هوا کشور را  
کشور، باید راهی زندان شوند،  
اما به نظر نمی رسد «بیزگان»  
اجازه دهنده کار تا این آنقدر  
برود. قریبی اصلی نمایندگی  
مردم تهران علیرضا راجائي  
کاندید نیروهای ملی و مذهبی  
بود. او را در راستای سیاست  
«پالایش» جیوه دوم خرداد  
که به کمک مستثیم علی خامنه ای  
صورت گرفت، اصلاح طلبان را  
رسیند به اهدافش، دست کم در  
این زمان، شکست خورده است.  
ایطال مقصدهای رای در تهران  
که به کمک مستثیم علی خامنه ای  
دستور گشته در دخشناد داده  
رسید. این رایه یک اشوب  
رسید کنند. نقطه درخشان داده  
این رایه این تظاهرات را  
گذشتند نمی توان از برخورد  
دیگری تظاهرات چهارشنبه  
دانشجویان در دانشگاه تهران  
بود. در هر دوی این تظاهرات،  
تقریباً شعارهای واحدی داده شد  
با «وقاحت» پاسخ داده می شود و  
شیدترین اعتراضات علیه  
تقلب گسترده در انتخابات تهران  
صورت گرفت. جتنی و  
رفستجانی با تندیز شعارهای  
که شاید تصور ان را هم  
سوی محافظه کاران وارد میانش  
شدم که ظاهراً مشارکت اسلامی.  
جهوه دوم خرداد صورت  
شدم که از چنگ محافظه کاران  
بیرون رفت، لاقل زیر نفوذ  
جزیران سنتی و «اصولگاری»  
اصلاح طلبان قرار گیرد، اما  
ظاهر امر نشان می دهد طرف  
اصلی ماجرا، چیه مشارکت  
اسلامی، چندان میلی به چنین  
کاری ندارد. برای پضات قطعی  
در این مورد باید منتظر ماند.

## آواره خیابان ها...

### از اول صبح تا نیمه های شب

روزنامه بهار، ۲ خرداد

مجید

(یکی از بچه ها روزنامه باطله  
می اورد) آقا مجید خوش به  
حالت شد. این همه کاغذ.

کاغذ جمع نمی کنم.

برای چی؟

کاغذ چیزی نیاز دارد.

خوب بخرا.

یک بار خریدم، شهیداری

اذیت میکند و نمی گذرد

ختماً اشغالاً را تو خایون ول

می کنم.

نه بای برای خودشون جمع

می کنم.

راتستی چند ساله آقا مجید؟

۴۲ سال

چیه هم داری؟

أر بایا. یک پسر و یک دختر

هم دارم.

اونها چکار می کن؟

پسرم دیپلم گرفت و رفت

سرپاری و دخترم هم کلاس پنجم

دبستانه. تهران نمی کنم؟

آره میدون شو ش

خونه مال خودته؟

چپ چپ نگاهم می کنم! یک

هلندونی کرایه کرد. من گم که از

اروپا او می دم.

چند متنه

شونزده مت

شانزده مت؟

مگه چیه؟

منظور ایسه که فقط یک

اتاق؟

آرde

با بچه هایت هم داخل یک

اتاق زندگی می کنید؟

آرde تازه همانم داخل اتاق

خاطی هم می کنم

گفتم که وضعیت خوبه

نه بایا. تو این دوره زمونه کی

بول داره که لباسی بدونه اون هم

ادامه در صفحه ۳

است.

سلام چی کار میکنی؟

می بیسی که دارم پلاستیک

جمع می کنم.

پس این بینج ها چیه که توی

این ظرف می رویی؟

آخر می فهمی.

می خواهی این ها را بخوری؟

بگذار کارمون را بکنیم بیشین

چی در می اد شما از اروپا

او میدید؟

چطور؟

غذای ازین

بایا ما صد فریم این که شما

جمع کردید به اندازه یک نفر هم

نیست. راستی فقط پلاستیک

جمع می کنی؟

دمایی، لیاس، اسیاب بازی

شکسته هم به تورمون بخرد جمه

می کنم.

ایسپارم افتادم که

می گفت اگر روزی تدوین

می خواهی چیکار؟

یک تیکه اندیش رو اینجا پیدا

می کنم، یک تیکه اندیش رو هم جای

درستی و خواهد کرد اگر شاید اگر

اردیبهشت می دید که چگونه آن

صد، دویست می فروش.

حالا کجا می فروشی؟

برای دروازه غار، سید

اساعیل می خواهی بنویسی

اونجا حسایی بنویس.

پلاستیک ها رو گلیوی چند

می فروشی؟

۸ توان

جدی! پس وضعیت خوبه

ای بایا خیلی زرنگ باشیم و

زوریزمنم روزی ۱۰۰۰ تا

۱۵۰۰ توان درآمد دارم

هزار و پانصد توانم؟

پس چی ۲۰ کیلو اگر جمع کنم

می شد اینقدر

رفق شدیم ولی است را به

من نگفتم.

مرد سید چرده جامه ژنده برتون  
بسی درنگ همچون صیادی  
شادمان از یافتن طعنه چهار  
کیسه زباله را در آغوش کشید.  
نگاهی به دور و پرش انداخت و  
وقتی در کار پیاده رو سرکشیده  
را گشود لبخند رضایتی زد. تازه  
صد نفر در ظروف یک بار در  
صرف ناها را خود ره بودند و پرس  
چون خان خدماتی را کشور از  
کیسه های زباله را پیاده روی کردند  
بود. از این بهتر نمی شد. چهار  
کیسه و همه پلاستیک

جمع می کنم.

پس این بینج ها چیه که توی

این ظرف می رویی؟

می خواهی این ها را بخوری؟

بگذار کارمون را بکنیم را بکنیم

چی در می اد شما از اروپا

او میدید؟

لطفاً چیزی

این را بخواهیم



کانون نویسندگان ایران (در تبعید)

مکتبہ ملک

بیانیه هیات اجرایی سازمان کارگران انقلابی ایران (ره کارگر) در رابطه با

#### «انصراف» رفسنجانی، و تشکیل مجلس ششم

فرماندهی کوییدن آن، به «ستاد» بر می‌گردد!  
اما این مجلس، مجلس نمایندگان مردم  
نیست. مردم، کاندیداهای اصلاح طلبان  
حکومت را انتخاب نکردن، از آنان به شایه  
جارویی استفاده کردند تا تسامی خواهان را  
برویند. این مجلس، سنگر مطالبات و منافع  
مردم نیست، سنگر منانع جنبهای حکومت  
ست. مردم دلیلی برای حمایت و تقویت آن  
دارند. اما، همچنان برای تشدید تضادهای  
برونی آن، و برای استفاده از این تضادها در  
جهت تقویت جنبش مستقل خود در مبارزه برای  
سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی، فعالانه  
داخله خواهند کرد. مردم تن به سکوت و  
سکون تخواهند داد و حاضر نخواهند شد که  
نشناسگار منغول پیشوای های گام به گام و  
ستقرار کامل فاشیسم مذهبی باشند. مردم سر  
بین نظام و سرنگونی آن را می خواهند، پس راه  
نان، از راه اصلاح طلبان حکومتی، و سنگر شان  
ز سنگر مقوانی آنان، جداست. این را یک بار  
یکبار پریروز در شعارهای دانشجویان و مردم  
حامی آنان در خیابان های اطراف دانشگاه تهران  
شاخذه گردیم اهیات اجرائی سازمان کارگران  
انقلابی ایران (راه کارگر) ۶ خرداد ۱۳۷۹

مقابل دانشگاه تهران، فریاد همین واقعیت بود)، اما این «انصراف» از روی شرم‌زدگی و سرافکنندگی نیست، او متوجه شد که فردی به این درجه ساقط و منفور در چشم مردم را به کرسی ریاست مجلس راه نخواهد داد، و وی به عنوان یک نماینده عادی که سرش باید پهلو خاطر ورود با تقلب، همیشه پائین باشد، قدرتی برای جهت دادن به مجلس نخواهد داشت.

«انصراف» رفتنیانی از نمایندگی، نه از روی قهر است، نه برای رهاکردن مجلس به حال خود، بلکه پخشی از تقشید است که برای زیر ضرب گرفتن این مجلس و از نفس انداختن اش کشیده شده است. انصراف او در جهت و در خدمت این طرح است که چون تسخیر مجلس ممکن نشد، پس باید آنرا تحت این ادعایه با تقلیبات وزارت کشور تشکیل شده است، از اعتبار انداخت و به زیر ضربات پیاپی گرفت. رفتنیانی بی آن که بی زبان اورد، بیاژت تبری او یک مجلس «بی اعتبار و آلوده به تقلب» است که از نمایندگی آن «انصراف» می‌دهد، تا اعتبار خودش را حفظ کندا او نسی تواند در مجلسی باشد که قرار بر کوییدن اش است، و در حالی که در «میدان» مجلس کاری از دشتن بر نخواهد آمد، برای

دوره ششم مجلس شورای اسلامی، فردا  
افتتاح می‌شود.  
رفستگانی در این مجلس نخواهد بود.  
این که تمامیت خواهان با همین دسائی و  
تقلبات، موقق نشدنند اکثیریت این مجلس را به  
دست آورند، این که شورای نگهبان جرات  
ابطال کامل انتخابات تهران را نیافت، و این که  
نقشه کنترل این مجلس توسط رفستگانی، با  
فضاحت شکست خورد، همه از نتایج مداخله  
فعال توده‌های مردم در جنگ میان دو جناح  
تمامیت خواه و اصلاح طلب رژیم است. ناممکن  
شدن یک مجلس رام و آرام زیر اموریته  
رفستگانی، یک دستاوردهای برای مردم است، نه  
بخاطر آنکه در چنین مجلسی نانی برای مردم  
پخته خواهد شد، بلکه به این خاطر که اولاً بازی  
قدرتمندان را به هم زندن، و ثانیاً، تشدید تضاد  
جنایات حکومتی از طریق این مجلس،  
فرصت‌های تازه‌ای را برای پیشروی جنبش  
مسئلت توده‌ای ایجاد خواهد کرد.  
اعلام «انصراف» رفستگانی از نمایندگی  
مجلس، اگرچه به این خاطر است که ارتش  
متقلبانه به ردیف بیستم، اعتبار وی را به  
پایین تر از وقتی که در ردیف سیام بود تنزل  
داد (و شعارهای داشتجویان و مردم علیه وی در

کانون نویسنده‌گان ایران، در هنگامهای که خطر دستگیری، زندان و شکنجه و مرگ، اهل قلم و اندیشه و فرهنگ را مدام تهدید می‌کند و دولتمردان و سرداران رژیم شمشیرها را از رو بسته‌اند و مدم از خشونت قانونی می‌زنند و با بی‌شرمی تمام فتوای قتل ناشر ایرانی را در این سر دنیا صادر می‌کنند، در این فضای فتفقات اور، با صدور دو بیانیه، شجاعانه به دفاع از روزنامه‌نگاران، نویسنده‌گان و روشنفکرانی برخاسته است که به جرم شرکت در کنفرانس برلین، بازداشت و زندانی شده‌اند. در این پیانیه‌ها، ملهم از مشاور کانون، به درستی بر آزادی اندیشه و بیان، بی‌هیچ حصر و استثناء و برای همگان، تاکید شده است. چراکه دفاع از آزادی بیان برای همگان علت وجودی کانون است.

هم از این رو، کانون نویسنده‌گان ایران «در تبعید»، به رغم اینکه باور دارد نمی‌باید فرهنگ و اندیشه و خیال را چون ابزاری برای مصالح و منافع سیاسی قدرت‌ها به کار گرفت و آن را قربانی کرد، نمی‌تواند از کنار وقایعی که در کنفرانس برلین گذشته، بی تفاوت بگذرد و در برایر کسانی که بدیهی ترین اصل احترام به آزادی اندیشه و بیان را زیر پا گذاشته و با این کار، چهره‌ای نادرست از تبعیدیان نشان داده‌اند، سکوت اختیار کند. نقض آزادی بیان و اندیشه،

سینمای ایران در جشنواره کان ۲۰۰۰

نامه سرگشاده پیش از ۳۲۰ نفر از اساتید و دانشگاهیان

لند سینمایی بهمن قبادی که پس از نمایش در ۲۲ فیلم‌ساز دیگر جهان در رقابتی جدی قرار گرفت.

در جشنواره کان ۲۰۰۰ حسن یکتاپناه با فیلم «جمعه» و بهمن قبادی با فیلم «زمانی برای استی اسب‌ها» گوی سبقت را از خریفان چهانی بودند و طور مشترک برندۀ جایزه دوربین طلای شدند.

فیلم «تخته سیاه» کار سعیرا مخلیاف ۲۰ ساله و به عنوان جوان ترین کارگردان تاریخ جشنواره به طور مشترک با «روی آندرسن» کارگردان «آوازهایی از طبقه دوم» از سوند رنده جایزه ویژه هیأت داوران شد. سینمای ایران با ۳ فیلم و با کسب ۳ جایزه یکی رستاره‌های درخشان جشنواره کان شد. ☐

تحسین انگیز جلوه‌هایی از تراژدی و طنز را در هم آمیخته است.

فیلم «جمعه» اولین اثر بلند سینمایی حسن بکتابه به عنوان کارگردان است که در چشواره بین المللی فیلم فجر پذیرفته نشد.

فیلم «جمعه» جنبه‌هایی از زندگی کارگر مهاجر افغان را در یک مرکز پرسور شد در خارج از شهر را به تصویر کشیده است. حسن بکتابه فعالیت‌های منزی خود را با نوشتن فیلم نامه‌های کوتاه و کار عکاسی شروع و به میتوان مشاور و دستیار کارگردان فیلم‌های علی حاجتی و کیارستمی اداء داد و در ساخت چند فیلم کوتاه ارزشمند که جوازی بین المللی چندی را به خود اختصاص داد، از جمله فعالیت‌های او در قلمرو سینماست.

فیلم «زمانی برای مستی اسبها» اولین کار

چشواره کان ۲۰۰۰ معتبرترین چشواره سینمای جهان در پنجاد و سویمین دوره فعالیت خود روز یکشنبه ۲۱ ماه مه طی روز با نتایش پیشترین های آثار سینمایی جهان به کار خود پیاپی داد. این چشواره با ۲۳ فیلم از سه قاره، آسیا با ۸ فیلم، اروپا با ۹ فیلم و امریکا با ۶ فیلم کار خود را آغاز کرد. این چشواره از میان ۱۰ جایزه اصلی امسال ۶ جایزه به آسیا، گه ۳ جایزه آن به فیلم هایی از ایران اختصاص یافت و ۳ جایزه به اروپا و یک جایزه به امریکا به کار خود پیاپی داد. سینمای ایران با ۳ فیلم در چشواره کان در بخش های مختلف آن حضور داشت. فیلم «تخته سیاه» کار سیمیرا مخلبیاف که یا به تصویر کشیدن زندگی معلمی در میان آوارگان کرد که «تخته سیاه» را به دوش من کشد و به دنبال شاگرد می گردد و به گونه ای

یک نامہ دریافتی

اریخ را نمی‌دانید. ترک‌ها و کردها بسیاری از سرزمین آذربایجان را متعلق به خودشان گویند.<sup>۲۰۰</sup>

نکته مهم دیگر اینکه چنگیز پهلوان در سخنرانیش بیشتر به اپوزیسیون مذهبی صلاح طلب پرخورد کرد و به آنها انتقاد و مترادف داشت تا جناح محافظه کار تمامیتگرا نه مانع عمدۀ اصلاحات می‌باشد. بطوری که نیس شورای سیاستگزاری روزنامه عصر زادگان در سخنرانیش تلاش نمود صراحتاً به او افسوس دهد. ولی متناسبانه گزارشگر نشیره کار طلاق توجهی به این نکته نموده است؟!<sup>۲۰۱</sup>

امیدواریم با درج نامه در نشیره، خوانندگان نیز در جریان اعتراض‌ها و حساسیت‌های ما از دهید.

با آرزوی موفقیت‌های روزافزون کانون فرهنگی خلق ترکمن - برلین

خوانند». او جهت اثبات ادعایش همسرش را ناکت آورد که گویا آذربایجانی است و نمی‌تواند به زبان مادریش بخواند و بنویسد؟!! علاوه بر این پنجه‌گزیر بهلوان در جلسه دیگری (چند روز پس از کنفرانس) که نماینده سازمان شما نیز شرکت کرد، سخنرانی نمود. وقتی یک نفر آذربایجانی شدند تقدیم از نظرات او در مرور آذربایجانی‌ها به فاکتبی که در کنفرانس آورده اشاره نمود و گفت: «برخورد شما با آذربایجانی‌ها مثل این است که یکی را بپزندند و دندان‌هایش را بشکند و شما بیایند و بگویید چون دندان‌هایش شکسته، دیگر لازم نیست بینندنایی به او داده شود»، جواب داد: «من طرفدار بیان‌های محلی هستم که باعث تقویت زبان فارسی می‌شود. زبان آذربایجانی هم برای حضور ما در ازیستان و آسیای میانه لازم است، بد خلق ذرایع ایجاد و خلق فارسی اعتقاد ندارم... فارسی یک زبان استثنایی است، یک زبان فرهنگی است و مستقله به قوهٔ ص. نیست شما

گزارش کنفرانس «ایران بعد از انتخابات مجلس»، که در صفحه ۵ شماره ۲۲۰ فروردین (۱۳۷۹) نشریه کار با عنوان «در برلین چه گذشت؟» به قلم خاتم شهلا فرید درج گردیده، جواب چنگیز پهلوان راکه به لحاظ دیدگاه شوونیستی اش مورد استقاد و اعتراض تعدادی از جمله نماینده «کانون فرهنگی خلق ترکمن - برلین» قرار گرفت به دلایل نامشخص بطور غیرواقعی انعکاس داده است. بدین جهت تقاضا داریم با مراجعت به کاست ویدئویی کنفرانس که تشکیلات شما نیز آن را دارد جواب واقعی ایشان را انعکاس دهید. ولی فعلًا اجازه دهد مانیز شنیده‌ها بایان را نقل قول نمائیم. او جواب داد: «من خلقی به نام آذری‌ایجان نمی‌شناسم، آذری‌ایجانی‌ها ایرانیان دوزبانه هستند که نسبت اند به زبان آذربایجانی سند

حق کودکان است که با هویت فرهنگی، زبان و رژیسهای ادبی و ملی کشور خود آشنا شوند.  
کودکان هر قوم حق دارند به زبان محلی و پیش صحبت کنند و با فرهنگ قوم خود آشنا شوند. (ماده ۲۹، بند ۱-ج)  
کودکان حق دارند اجتماعات مسالمت آمیز شته باشند. (ماده ۱۵، بند ۱) کشورهای عضو این میان جهانی حقوق کودک با افزایش سکاری های بین المللی از دسترسی کودکان به اطلاعات فنی، علمی و روش های جدید نیز، حمایت می کنند. (ماده ۲۸، بند ۳).

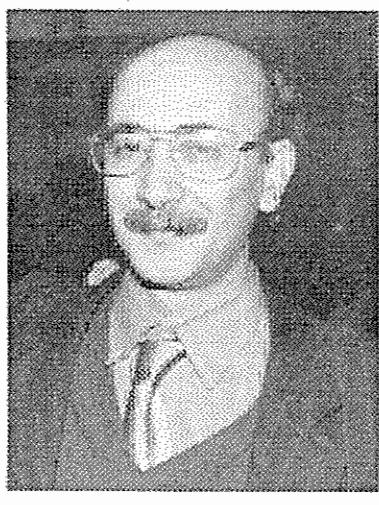
حترام به حقوق بشر و آزادی‌های اساسی را در  
نها تقویت کنند. (ماده ۲۹، بند ۱ - الف و ب)  
کودکان با هر ملیت، نژاد، رنگ، زبان و  
ذنوبی که دراند با هم برپارند. (ماده ۲، بند ۱)  
کودکانی را که در یادگیری ضعیف هستند،  
باید تنبیه با تحقیر کرد، باید در کنار تشویق به  
ادهای دیگر آموزش فکر کرد که مناسب این  
سته از کودکان باشد. (ماده ۲۸، بند ۱ - ۵)  
کشورهای عضو پیمان جهانی حقوق کودک با  
وش‌های مناسب و فعال باید بزرگسالان و  
نوجوانان را بایمیان جهانی حقوق کودک آشنا  
نمایند. (ماده ۴۲)

پیمان جهانی حقوق کودک، همه کشورها را به تولید و انتشار کتاب‌های مناسب برای کودکان تشویق می‌کند. (ماده ۱۷، بندج) کشورهای عضو پیمان جهانی حقوق کودک باید برای نگهداری کودکان هنگامی که پدر و مادر مشغول کار هستند امکانات فراهم سازند. (ماده ۱۸، بند ۳) هیچ کس حق ندارد کودکان را مجبور به انجام کارهایی کند که مناسب سن آنها نیست. (ماده ۳۲) دولتها و جامعه باید به استعداد، علایق و توانایی‌های، که دکان احت ام گذانند و حس.

سیاست و اقتصاد

امکانات لازم برای فعالیت‌های تفریحی آنان را فراهم کرد. (ماده ۳۱، بند ۱)  
پیمان جهانی حقوق کودک، از پدران و مادران و سرپرستان می‌خواهد که در برابر اشتباهات کودکان از روش‌های نامناسب تنبیه و سرزنش استفاده نکنند. (ماده ۴۰، بند ۱)  
حق کودکان بسیار است که با درمان و مرابتگری‌های پردازشگی، هرچه زودتر بهبود پیدا کنند. (ماده ۴۲، بند ۱)

ادامه از صفحه ۵  
دیگر آشنا شوند و بر  
و دوستی همکاری  
بهداشت و تدریس  
برای کودکان با  
مراقبت‌های بهداشتی  
پند ۲-ج)  
سازی و تفسیر



## تحولات اصلاح طلبانه و آزادیخواهانه فراروینده ملی

### و ولایت مطلقه فقیه پی آینده

مجید عبدالرحیم پور

بگیرند، فکری کاملاً خطاست. اگرچه وجود روزنامه‌ها و مجلات مستقل و آزادیخواه، از ارکان مهم پیشرفت جنبش هستند، سازماندهی و تشکلهای مستقل مردمی نیز رکن دیگر آن هستند. ۱۵ روزنامه و مجله را می‌توانند پندن و ۱۰۰ روزنامه‌نگار و نظریه‌پرداز رامی توانند دستگیر و زندانی کنند ولی تشکلهای مردمی مستقل و فراگیر را نمی‌توانند دستگیر و زندانی کنند. سازماندادن و سازورکردن بایگاه اجتماعی جنبش اصلاح طلبانه و آزادیخواهانه در تشکلهای فراگیر و مستقل مردمی، نه تنها اهمیت راهبردی بلکه از اهمیت فوق العاده مهم کاربردی برخوردار است. جنبش پیشرفت و برای مقابله با نقشه‌های ارتتعاع، همین امرور به سازورشدن و ساختمندشدن نیاز دارد. فردا دیر است.

علاوه بر نارضایتی اجتماعی، نارضایتی اقتصادی نیز در کشور رو به گشتش است. بحران اقتصادی و پیکاری و گرانی و قرب پیداد می‌کند. طرفداران ولایت مطلقه فقیه، برای بروز رفت از بحران اقتصادی و ایجاد گشایش در اقتصاد مملکت در جهت بهسازی و بهبود و تأمین زندگی شرافتمندانه برای اکثریت مردم کشور، نه تنها هیچ برنامه کوتاه و بلند مدتی، ندارند بلکه در پرداز آن هستند. آنها برای گشایش اقتصادی و رفع حقی بخشی از مشکلات اقتصادی مردم، نه پشتانه ملی - مردمی دارند و نه پشتانه جهانی. توجه به این نکته بسیار اهمیت دارد که طرفداران ولایت مطلقه فقیه حقی قادر نیستند با دست زدن به اصلاحات اقتصادی کوتاه مدت و رفع برخی مشکلات اقتصادی مردم، نه پشتانه ملی - مردمی دارند به پشتیبانی از اجرای استراتژی خود پکشند.

علاوه بر آن، مردم ایران، خانمدهای و رفیخانی و دیگر رهبران طرفدار ولایت مطلقه فقیه را در شرایط جنگی و غیر جنگی تجربه کرده‌اند، دوران «سازندگی» و راهکارهای «سردار» سازندگی را با گوشت و پوست خود لمس کرده و به بازندگی خود تحت رهبری آنها پی برداشده و دیگر با وعده و وعده‌های آنها، بدیال آنها نمی‌رون. خانمدهای در سخنرانی خود، روی مشکلات و نارضایتی اقتصادی مردم نیز انگشت گذاشت. ولی همه می‌دانستند، این تلاش، تلاش مذیحانه است.

نظر بر آنچه مژده معرفت افاده، بی‌جا نیست اگر بگوئیم که تلاش و استراتژی طرفداران ولایت مطلقه فقیه برای شکست دادن جنبش آزادیخواهانه و اصلاح طلبان، این بار نیز تلاش مذیحانه است. آنها باز هم شکست خواهند خورد.

#### ۳ - دهه سوم انقلاب،

#### دهه تغییر و تحولات سیاسی است

آزادی خواهی و اصلاح طلبی، در اعماق جامعه رشته دوانده و از یک نهضت فکری - فرهنگی روشنگری صرف به یک جریان اجتماعی و سیاسی فراگیر ملی فرارو نیده است. توسعه سیاسی در مرکز تحولات قرار گرفته است. ویژگی این جریان، درون خیزیدن آن است. بنیان‌گذاران جمهوری اسلامی همانند شاه پسچای تامین ازادی و حقوق دمکراتیک شهر و دنیان و عدالت اجتماعی و ایجاد هم‌افرادی با توسعه اجتماعی و رشد اقتصادی کشور، دولتی توسعه نیافرته سنتی - دینی - استبدادی را برپا کردند. اما توسعه سیاسی از درون جامعه و از یاپین راه خود را باز کرده و در دستور روز قرار گرفت. تغییر و تحولات فکری - فرهنگی که ریشه در انقلاب شرکت داشته و در دهه اول انقلاب ژرفتر و گسترده‌تر شده، با تحولات اجتماعی جنبش، از بزرگترین ضعفهای آن است. این فکر که روزنامه و مجلات، می‌توانند جای سازماندهی و نهادهای مردمی مستقل را

بزرگترین موانع در پرایر تحقق سیاستهای راهبردی و کاربردی ولایت مطلقه فقیه فرازینده مردم و توسعه اجتماعی جامعه کشوری ایران در تضاد آشکار با ولایت مطلقه فقیه (هم بمنای ساختار سیاسی و هم بمنای قدرت سیاسی) قرار دارد. اشاره و طبقات مردم جامعه از نظر طبقه کارگر و کارمندان و روشنگران و داشجویان، از حکومت ولایت مطلقه فقیه خسته شدند. از آن پیروان و خواهان زندگی آزاد و دمکراتیک و عادلانه و شاداب و شایسته خود هستند. ولایت مطلقه فقیه و تنشیقات است، ولی، عرضی نیست. این طرفداران آن نه تنها هیچ برنامه و سیاست و راهکارهای مردم - دمکراتیک - عدالت پژوه برای رفع یا حتی کاهش نارضایتی‌های مردم و اطباق ساختار و قدرت سیاسی ولایت مطلقه فقیه، شکست برناهدهای اجتماعی آن، مثار از فرقه با توسعه اجتماعی جامعه ندارند بلکه در طرفداران آن راه آنها قرار دارند. اگر طرفداران «انتخابی‌بودن ولی فقیه»، در جهت اصلاح ساختار و قدرت سیاسی جمهوری اسلامی و انتخابی‌بودن و طبقات مردم خود، می‌توانند هنوز حاوی برخی محدودیت‌ها را بخواهند. ولایت مطلقه فقیه شده است. تفرق از دروغ گفتن، در طی سالیان داراز، موجب بی‌اعتباری و لایت مطلقه فقیه و طرفداران آن و بی‌اعتباری اکثريت مردم نسبت به آنها و شکست اخلاقی و تبلیغ و ترویج خشونت قانونی و غیر قانونی، غارتگری و تکرار دورگاهها و توجیهات شونده‌ای را در درون نیروهای جمهوری اسلامی پرورش داده است که مطلعه معاصر می‌اندیشند و عمل می‌کنند. توجه به این موضوع هم است که، تغییر و تحول فکری - فرهنگی در ذهن و زبان و روش کار بخشی از اصلاح طلبان دوم خردابی، اگرچه مرحله گذار را طی می‌کند و هنوز حاوی برخی محدودیت‌ها و تنشیقات است، ولی، عرضی نیست. این طرفداران آن نه تنها هیچ برنامه و سیاست و راهکارهای مردم - دمکراتیک - عدالت پژوه برای رفع یا حتی کاهش نارضایتی‌های مردم و اطباق ساختار و قدرت سیاسی ولایت مطلقه فقیه، شکست برناهدهای اجتماعی آن، مثار از فرقه با توسعه اجتماعی جامعه آن، مثار از ترفس و گسترش روند تحولات فکری - فکری - فرهنگی نوین در جامعه و ناشی از سالها تکرر و تعمق و تحقیق و مطالعه آنها است. این بخش از «روشنگران و مطبوعات و مخدودکردن اختریات مجلش ششم تصویب کرده بودند. شورای نگهبان مصوبه مجمع تشخیص مصلحت قیام شد. در این روزنامه شکست خلک گرفته جامعه ما دارد. مردم ایران می‌گویند دروغ گوی دشمن خدا است. مردم از افراد دروغ‌گوی، دوروی، توجیه گر و مردم از این روزنامه بخش سرمهایه دارد. مجهله را پایاگاه دشنگار کشش داشت. مجهله را پایاگاه دشمن می‌گیرد. آنگاه، شانه، ۱۵ روزنامه و مجله را پایاگاه دشمن بخواهی معرفی کرد. شورای نگهبان مصوبه مجمع تشخیص مصلحت قیام شد. در این روزنامه شکست خلک گرفته جامعه ما دارد. مردم ایران می‌گویند دروغ گوی دشمن خدا است. مردم از افراد دروغ‌گوی، دوروی، توجیه گر و مردم از این روزنامه بخش سرمهایه دارد. مجهله را پایاگاه دشمن بخواهی معرفی کرد. آنگاه، شانه، ۱۶ روزنامه و مجله را پایاگاه دشمن می‌گیرد. آنگاه، شانه، ۱۷ روزنامه و مجله را پایاگاه دشمن بخواهی معرفی کرد. شورای نگهبان مصوبه مجمع تشخیص مصلحت قیام شد. در این روزنامه شکست خلک گرفته جامعه ما دارد. مردم ایران می‌گویند دروغ گوی دشمن خدا است. مردم از افراد دروغ‌گوی، دوروی، توجیه گر و مردم از این روزنامه بخش سرمهایه دارد. مجهله را پایاگاه دشمن بخواهی معرفی کرد. آنگاه، شانه، ۱۸ روزنامه و مجله را پایاگاه دشمن بخواهی معرفی کرد. شورای نگهبان مصوبه مجمع تشخیص مصلحت قیام شد. در این روزنامه شکست خلک گرفته جامعه ما دارد. مردم ایران می‌گویند دروغ گوی دشمن خدا است. مردم از افراد دروغ‌گوی، دوروی، توجیه گر و مردم از این روزنامه بخش سرمهایه دارد. مجهله را پایاگاه دشمن بخواهی معرفی کرد. آنگاه، شانه، ۱۹ روزنامه و مجله را پایاگاه دشمن بخواهی معرفی کرد. شورای نگهبان مصوبه مجمع تشخیص مصلحت قیام شد. در این روزنامه شکست خلک گرفته جامعه ما دارد. مردم ایران می‌گویند دروغ گوی دشمن خدا است. مردم از افراد دروغ‌گوی، دوروی، توجیه گر و مردم از این روزنامه بخش سرمهایه دارد. مجهله را پایاگاه دشمن بخواهی معرفی کرد. آنگاه، شانه، ۲۰ روزنامه و مجله را پایاگاه دشمن بخواهی معرفی کرد. شورای نگهبان مصوبه مجمع تشخیص مصلحت قیام شد. در این روزنامه شکست خلک گرفته جامعه ما دارد. مردم ایران می‌گویند دروغ گوی دشمن خدا است. مردم از افراد دروغ‌گوی، دوروی، توجیه گر و مردم از این روزنامه بخش سرمهایه دارد. مجهله را پایاگاه دشمن بخواهی معرفی کرد. آنگاه، شانه، ۲۱ روزنامه و مجله را پایاگاه دشمن بخواهی معرفی کرد. شورای نگهبان مصوبه مجمع تشخیص مصلحت قیام شد. در این روزنامه شکست خلک گرفته جامعه ما دارد. مردم ایران می‌گویند دروغ گوی دشمن خدا است. مردم از افراد دروغ‌گوی، دوروی، توجیه گر و مردم از این روزنامه بخش سرمهایه دارد. مجهله را پایاگاه دشمن بخواهی معرفی کرد. آنگاه، شانه، ۲۲ روزنامه و مجله را پایاگاه دشمن بخواهی معرفی کرد. شورای نگهبان مصوبه مجمع تشخیص مصلحت قیام شد. در این روزنامه شکست خلک گرفته جامعه ما دارد. مردم ایران می‌گویند دروغ گوی دشمن خدا است. مردم از افراد دروغ‌گوی، دوروی، توجیه گر و مردم از این روزنامه بخش سرمهایه دارد. مجهله را پایاگاه دشمن بخواهی معرفی کرد. آنگاه، شانه، ۲۳ روزنامه و مجله را پایاگاه دشمن بخواهی معرفی کرد. شورای نگهبان مصوبه مجمع تشخیص مصلحت قیام شد. در این روزنامه شکست خلک گرفته جامعه ما دارد. مردم ایران می‌گویند دروغ گوی دشمن خدا است. مردم از افراد دروغ‌گوی، دوروی، توجیه گر و مردم از این روزنامه بخش سرمهایه دارد. مجهله را پایاگاه دشمن بخواهی معرفی کرد. آنگاه، شانه، ۲۴ روزنامه و مجله را پایاگاه دشمن بخواهی معرفی کرد. شورای نگهبان مصوبه مجمع تشخیص مصلحت قیام شد. در این روزنامه شکست خلک گرفته جامعه ما دارد. مردم ایران می‌گویند دروغ گوی دشمن خدا است. مردم از افراد دروغ‌گوی، دوروی، توجیه گر و مردم از این روزنامه بخش سرمهایه دارد. مجهله را پایاگاه دشمن بخواهی معرفی کرد. آنگاه، شانه، ۲۵ روزنامه و مجله را پایاگاه دشمن بخواهی معرفی کرد. شورای نگهبان مصوبه مجمع تشخیص مصلحت قیام شد. در این روزنامه شکست خلک گرفته جامعه ما دارد. مردم ایران می‌گویند دروغ گوی دشمن خدا است. مردم از افراد دروغ‌گوی، دوروی، توجیه گر و مردم از این روزنامه بخش سرمهایه دارد. مجهله را پایاگاه دشمن بخواهی معرفی کرد. آنگاه، شانه، ۲۶ روزنامه و مجله را پایاگاه دشمن بخواهی معرفی کرد. شورای نگهبان مصوبه مجمع تشخیص مصلحت قیام شد. در این روزنامه شکست خلک گرفته جامعه ما دارد. مردم ایران می‌گویند دروغ گوی دشمن خدا است. مردم از افراد دروغ‌گوی، دوروی، توجیه گر و مردم از این روزنامه بخش سرمهایه دارد. مجهله را پایاگاه دشمن بخواهی معرفی کرد. آنگاه، شانه، ۲۷ روزنامه و مجله را پایاگاه دشمن بخواهی معرفی کرد. شورای نگهبان مصوبه مجمع تشخیص مصلحت قیام شد. در این روزنامه شکست خلک گرفته جامعه ما دارد. مردم ایران می‌گویند دروغ گوی دشمن خدا است. مردم از افراد دروغ‌گوی، دوروی، توجیه گر و مردم از این روزنامه بخش سرمهایه دارد. مجهله را پایاگاه دشمن بخواهی معرفی کرد. آنگاه، شانه، ۲۸ روزنامه و مجله را پایاگاه دشمن بخواهی معرفی کرد. شورای نگهبان مصوبه مجمع تشخیص مصلحت قیام شد. در این روزنامه شکست خلک گرفته جامعه ما دارد. مردم ایران می‌گویند دروغ گوی دشمن خدا است. مردم از افراد دروغ‌گوی، دوروی، توجیه گر و مردم از این روزنامه بخش سرمهایه دارد. مجهله را پایاگاه دشمن بخواهی معرفی کرد. آنگاه، شانه، ۲۹ روزنامه و مجله را پایاگاه دشمن بخواهی معرفی کرد. شورای نگهبان مصوبه مجمع تشخیص مصلحت قیام شد. در این روزنامه شکست خلک گرفته جامعه ما دارد. مردم ایران می‌گویند دروغ گوی دشمن خدا است. مردم از افراد دروغ‌گوی، دوروی، توجیه گر و مردم از این روزنامه بخش سرمهایه دارد. مجهله را پایاگاه دشمن بخواهی معرفی کرد. آنگاه، شانه، ۳۰ روزنامه و مجله را پایاگاه دشمن بخواهی معرفی کرد. شورای نگهبان مصوبه مجمع تشخیص مصلحت قیام شد. در این روزنامه شکست خلک گرفته جامعه ما دارد. مردم ایران می‌گویند دروغ گوی دشمن خدا است. مردم از افراد دروغ‌گوی، دوروی، توجیه گر و مردم از این روزنامه بخش سرمهایه دارد. مجهله را پایاگاه دشمن بخواهی معرفی کرد. آنگاه، شانه، ۳۱ روزنامه و مجله را پایاگاه دشمن بخواهی معرفی کرد. شورای نگهبان مصوبه مجمع تشخیص مصلحت قیام شد. در این روزنامه شکست خلک گرفته جامعه ما دارد. مردم ایران می‌گویند دروغ گوی دشمن خدا است. مردم از افراد دروغ‌گوی، دوروی، توجیه گر و مردم از این روزنامه بخش سرمهایه دارد. مجهله را پایاگاه دشمن بخواهی معرفی کرد. آنگاه، شانه، ۳۲ روزنامه و مجله را پایاگاه دشمن بخواهی معرفی کرد. شورای نگهبان مصوبه مجمع تشخیص مصلحت قیام شد. در این روزنامه شکست خلک گرفته جامعه ما دارد. مردم ایران می‌گویند دروغ گوی دشمن خدا است. مردم از افراد دروغ‌گوی، دوروی، توجیه گر و مردم از این روزنامه بخش سرمهایه دارد. مجهله را پایاگاه دشمن بخواهی معرفی کرد. آنگاه، شانه، ۳۳ روزنامه و مجله را پایاگاه دشمن بخواهی معرفی کرد. شورای نگهبان مصوبه مجمع تشخیص مصلحت قیام شد. در این روزنامه شکست خلک گرفته جامعه ما دارد. مردم ایران می‌گویند دروغ گوی دشمن خدا است. مردم از افراد دروغ‌گوی، دوروی، توجیه گر و مردم از این روزنامه بخش سرمهایه دارد. مجهله را پایاگاه دشمن بخواهی معرفی کرد. آنگاه، شانه، ۳۴ روزنامه و مجله را پایاگاه دشمن بخواهی معرفی کرد. شورای نگهبان مصوبه مجمع تشخیص مصلحت قیام شد. در این روزنامه شکست خلک گرفته جامعه ما دارد. مردم ایران می‌گویند دروغ گوی دشمن خدا است. مردم از افراد دروغ‌گوی، دوروی، توجیه گر و مردم از این روزنامه بخش سرمهایه دارد. مجهله را پایاگاه دشمن بخواهی معرفی کرد. آنگاه، شانه، ۳۵ روزنامه و مجله را پایاگاه دشمن بخواهی معرفی کرد. شورای نگهبان مصوبه مجمع تشخیص مصلحت قیام شد. در این روزنامه شکست خلک گرفته جامعه ما دارد. مردم ایران می‌گویند دروغ گوی دشمن خدا است. مردم از افراد دروغ‌گوی، دوروی، توجیه گر و مردم از این روزنامه بخش سرمهایه دارد. مجهله را پایاگاه دشمن بخواهی معرفی کرد. آنگاه، شانه، ۳۶ روزنامه و مجله را پایاگاه دشمن بخواهی معرفی کرد. شورای نگهبان مصوبه مجمع تشخیص مصلحت قیام شد. در این روزنامه شکست خلک گرفته جامعه ما دارد. مردم ایران می‌گویند دروغ گوی دشمن خدا است. مردم از افراد دروغ‌گوی، دوروی، توجیه گر و مردم از این روزنامه بخش سرمهایه دارد. مجهله را پایاگاه دشمن بخواهی معرفی کرد. آنگاه، شانه، ۳۷ روزنامه و مجله را پایاگاه دشمن بخواهی معرفی کرد. شورای نگهبان مصوبه مجمع تشخیص مصلحت قیام شد. در این روزنامه شکست خلک گرفته جامعه ما دارد. مردم ایران می‌گویند دروغ گوی دشمن خدا است. مردم از افراد دروغ‌گوی، دوروی، توجیه گر و مردم از این روزنامه بخش سرمهایه دارد. مجهله را پایاگاه دشمن بخواهی معرفی کرد. آنگاه، شانه، ۳۸ روزنامه و مجله را پایاگاه دشمن بخواهی معرفی کرد. شورای نگهبان مصوبه مجمع تشخیص مصلحت قیام شد. در این روزنامه شکست خلک گرفته جامعه ما دارد. مردم ایران می‌گویند دروغ گوی دشمن خدا است. مردم از افراد دروغ‌گوی، دوروی، توجیه گر و مردم از این روزنامه بخش سرمهایه دارد. مجهله را پایاگاه دشمن بخواهی معرفی کرد. آنگاه، شانه، ۳۹ روزنامه و مجله را پایاگاه دشمن بخواهی معرفی کرد. شور

## نقش عرفی‌گرائی در اصلاحات سیاسی

خسرو باقرپور

امیرالمؤمنین علی (ع) بوده و هست، حالا اگر کار شکور به جانی بررسد که هیچ مسئولی پیدا نشود تا این اوضاع های بزرگ و آهان ملت را تامین کند و چاره کار با بازنگری قانون اساسی حل نشود، یقیناً چاره دیگری چرخ‌ضایت دادن بد تغییر حکومت و نظام و قبول عدم کارانی نظام جمهوری اسلامی نخواهد بیافت.<sup>۱</sup> ۲۱ سال

است فرهنگ سیاسی عرفی در جامعه استقرار یابد و افراد ها و نیادهای تاسیس شوند که امکان چنین شرایطی را فراهم و نیز تضمین کنند. برای تحقق اماج گفته شده در بالا دو ساختار مهم فرهنگی و تاریخی در عرصه‌های عمل و اندیشه باید تغییر کنند.

روشن نیز نرسیده است، جامعه ما در دیگر پیکار بین سنت و نو است. در این دوران بحرانی و

سیاسی و دولت.

دو، دین به مثابه نهاد دولتی تنظیم کننده فرهنگ ایرانی ناگزیر است برخوردی در خود، اگاهانه و هوشمندانه با این بحران و عملی و اعمال آن داشته باشد. به این معنی که جایگاه سکولاریزم به مثابه فرایند عرفی شدن جامعه معرفت تاریخی و فرهنگی خوبی را در ارتباط با فرهنگ امروزین جهان در همه ابعاد پیچیده آن یابد. و این میسر نمی شود مگر آن که به تقد

ست و معرفت و هویت تاریخی خوبی پردازد و آن کنید که به شناخت مبانی هویت خوبی و در کار آن برسد.

با اقلایی که بیست سال پیش روی داد ذات و نهاد و اندوخته فکری و معنوی شتی دیگر در عربان شدن کرد و ما در ابتدای راهی قرار داده اجتماعی تغییر روابط قدرتی و مبانی ارزشی آن را بعثت خواهد شد در میهن ما ایران تضاد میان فرانزیز عرفی شدن جامعه با اسلام از آن جا آغاز می شود که برخور مدد که برخور هر تحول اجتماعی است، با این دلیل ساده که برخور هر تحول عربان شدن کرد و ما در ابتدای راهی قرار داده شدم تایبین و در کنیم که چه بوده و که بوده‌ام، به داوری نشتم در مورد خوبی و همچین در مورد فرهنگ و تاریخ خوبی، و در این روند شروع به آموختن کردید تا گستره عنوان قدرت سیاسی در جامعه ما حضور دارد و آن دشنه گی خوبی را از منظر واقع گرایش عمیق‌تر بینیم. از ساختهای کنکری و ساختارهای هنجاری که بین فاصله گرفتی و سیاست‌داران اسلامی با آن در عرصه پیکاری بیان و چنان‌گونه اندیشه ای از جمله می‌بینیم. امام محمد بیزدی ای کنند. در این زمینه سخنان اقای احمد غفاری در انتخابات و مبارزات اجتماعی سه ساله گذشته دلیل روشنی مبنی بر پیاری انان از عملکرد و آنکه این امماجها و مواعید عقب افتاده متحقق شوند خبور پر شور همه آحاد مردم در عرصه انتخابات و مبارزات اجتماعی سه ساله گذشته دلیل روشنی مبنی بر پیاری انان از عملکرد و سایقه به شدت ظالمانه و ضد مکراتیک و غیر مدنی مرتعین محافظه کار مذهبی است.

مرتعین محافظه کار با شدتی عجیب در مقابله مطالبات و جنبش حق طلبانه و مکراتیک مردم ما ایستاده‌اند و آن را به شدت سرکوب می‌کنند.

ستگرایان با رسختی تمام گوشاهی خود را بر فریادهای رسانی آزادی طلب مردم بسته‌اند و مکراتیک طلبی مردم را به چالش طلبیدن و مخالفت با اسلام می‌دانند و سرکوب می‌کنند. در این زمینه سخنان اقای محمد بیزدی امام جمعه وقت تهران در پنجم فروردین ۷۹ به نقل از خبرگزاری ایرانا به اندیشه کافی روشن و گویاست: «دستگاه قضائی ما به خاطر این که مقررات اسلامی است مکراتیک نیست، انقلاب اسلامی ما به این دلیل بوده است که قوه قضائیه مکراتیک نباشد و تایم اسلام باشد و قوای مقننه و مجریه نیز همین طور است و این طور نیست که نهاینده مجلس بتواند که اگر

شیدن و ماقبل خواهد شد از پیش روی عرفی شدن اسلام متفق خواهد گردید. در میان مشکران و

معاصر شدید، و هم زمان با آن در عرصه پیکاری بیان و چنان‌گونه از گرفتار آمدیدم، راه کارهای عملی می‌سیاسی با مضمون فرقی و امراء شنیدن اسلام صورت گردید، اما غالباً

بساند ما سازگاری نداشت، فرهنگ (هنجارهای فرمایه) هنجار و عادات و

ستهای که روی می‌داند و به این دلیل تحول جامعه بدون عرفی شدن

ساختهای هنجاری که بین فاصله گرفتی و

معاصر شدید، و هم زمان با آن در عرصه پیکاری بیان و چنان‌گونه از گرفتار آمدیدم،

گذشته‌ای که می‌خواست دست‌خورده و قاهر و برگار باشد و مایه و هویت دست‌خورده که از صدر

همچنین در مورد فرهنگ و تاریخ خوبی، و در این روند شروع به آموختن کردید تا گستره عنوان دشنه گی خوبی را از منظر واقع گرایش عمیق‌تر بینیم. از ساختهای کنکری و

ساختهای هنجاری که بین فاصله گرفتی و

معاصر شدید، و هم زمان با آن در عرصه پیکاری بیان و چنان‌گونه از گرفتار آمدیدم،

گذشته‌ای که می‌خواست دست‌خورده و قاهر و برگار باشد و مایه و هویت دست‌خورده که از صدر

مشروطه تا انتقال بهمین داشته‌اند.

شنبه‌ام برخی از موقوفیت و در هر حال پیش از کودتا و

نیز گروهیانی از اصلاح طلبان سکولار در این نظر شده‌اند که باطل شدن انتخابات تهران

که شغل‌های دریغ و دردش به گوش جانان نشست و خواهد شد از پیش از کودتا

باشد در این کارزار گرفتار آمدیدم، و فرزند خشم اگین نشست که دیو خشونت است ما را از پیش رشمنان تاراند و پرتاک کرد به جانی دور

که شغل‌های دریغ و دردش به گوش جانان نشست و خواهد شد از پیش از کودتا

باشد در این کارزار گرفتار آمدیدم، و فرزند خشم اگین نشست که دیو خشونت است ما را از

پیش رشمنان تاراند و پرتاک کرد به جانی دور

که شغل‌های دریغ و دردش به گوش جانان نشست و خواهد شد از پیش از کودتا

باشد در این کارزار گرفتار آمدیدم، و فرزند خشم اگین نشست که دیو خشونت است ما را از

پیش رشمنان تاراند و پرتاک کرد به جانی دور

که شغل‌های دریغ و دردش به گوش جانان نشست و خواهد شد از پیش از کودتا

باشد در این کارزار گرفتار آمدیدم، و فرزند خشم اگین نشست که دیو خشونت است ما را از

پیش رشمنان تاراند و پرتاک کرد به جانی دور

که شغل‌های دریغ و دردش به گوش جانان نشست و خواهد شد از پیش از کودتا

باشد در این کارزار گرفتار آمدیدم، و فرزند خشم اگین نشست که دیو خشونت است ما را از

پیش رشمنان تاراند و پرتاک کرد به جانی دور

که شغل‌های دریغ و دردش به گوش جانان نشست و خواهد شد از پیش از کودتا

باشد در این کارزار گرفتار آمدیدم، و فرزند خشم اگین نشست که دیو خشونت است ما را از

پیش رشمنان تاراند و پرتاک کرد به جانی دور

که شغل‌های دریغ و دردش به گوش جانان نشست و خواهد شد از پیش از کودتا

باشد در این کارزار گرفتار آمدیدم، و فرزند خشم اگین نشست که دیو خشونت است ما را از

پیش رشمنان تاراند و پرتاک کرد به جانی دور

که شغل‌های دریغ و دردش به گوش جانان نشست و خواهد شد از پیش از کودتا

باشد در این کارزار گرفتار آمدیدم، و فرزند خشم اگین نشست که دیو خشونت است ما را از

پیش رشمنان تاراند و پرتاک کرد به جانی دور

که شغل‌های دریغ و دردش به گوش جانان نشست و خواهد شد از پیش از کودتا

باشد در این کارزار گرفتار آمدیدم، و فرزند خشم اگین نشست که دیو خشونت است ما را از

پیش رشمنان تاراند و پرتاک کرد به جانی دور

که شغل‌های دریغ و دردش به گوش جانان نشست و خواهد شد از پیش از کودتا

باشد در این کارزار گرفتار آمدیدم، و فرزند خشم اگین نشست که دیو خشونت است ما را از

پیش رشمنان تاراند و پرتاک کرد به جانی دور

که شغل‌های دریغ و دردش به گوش جانان نشست و خواهد شد از پیش از کودتا

باشد در این کارزار گرفتار آمدیدم، و فرزند خشم اگین نشست که دیو خشونت است ما را از

پیش رشمنان تاراند و پرتاک کرد به جانی دور

که شغل‌های دریغ و دردش به گوش جانان نشست و خواهد شد از پیش از کودتا

باشد در این کارزار گرفتار آمدیدم، و فرزند خشم اگین نشست که دیو خشونت است ما را از

پیش رشمنان تاراند و پرتاک کرد به جانی دور

که شغل‌های دریغ و دردش به گوش جانان نشست و خواهد شد از پیش از کودتا

باشد در این کارزار گرفتار آمدیدم، و فرزند خشم اگین نشست که دیو خشونت است ما را از

پیش رشمنان تاراند و پرتاک کرد به جانی دور

که شغل‌های دریغ و دردش به گوش جانان نشست و خواهد شد از پیش از کودتا

باشد در این کارزار گرفتار آمدیدم، و فرزند خشم اگین نشست که دیو خشونت است ما را از

پیش رشمنان تاراند و پرتاک کرد به جانی دور

که شغل‌های دریغ و دردش به گوش جانان نشست و خواهد شد از پیش از کودتا

باشد در این کارزار گرفتار آمدیدم، و فرزند خشم اگین نشست که دیو خشونت است ما را از

پیش رشمنان تاراند و پرتاک کرد به جانی دور

که شغل‌های دریغ و دردش به گوش جانان نشست و خواهد شد از پیش از کودتا

باشد در این کارزار گرفتار آمدیدم، و فرزند خشم اگین نشست که دیو خشونت است ما را از

پیش رشمنان تاراند و پرتاک کرد به جانی دور

که شغل‌های دریغ و دردش به گوش جانان نشست و خواهد شد از پیش از کودتا

باشد در این کارزار گرفتار آمدیدم، و فرزند خشم اگین نشست که دیو خشونت است ما را از

پیش رشمنان تاراند و پرتاک کرد به جانی دور

که شغل‌های دریغ و دردش به گوش جانان نشست و خواهد شد از پیش از کودتا

باشد در این کارزار گرفتار آمدیدم، و فرزند خشم اگین نشست که دیو خشونت است ما را از

پیش رشمنان تاراند و پرتاک کرد به جانی دور

که شغل‌های دریغ و دردش به گوش جانان نشست و خواهد شد از پیش از کودتا

باشد در این کارزار گرفتار آمدیدم، و فرزند خشم اگین نشست که دیو خشونت است ما را از

پیش رشمنان تاراند و پرتاک کرد به جانی دور

که شغل‌های دریغ و دردش به گوش جانان نشست و خواهد شد از پیش از کودتا

باشد در این کارزار گرفتار آمدیدم، و فرزند خشم اگین نشست که دیو خشونت است ما را از

پیش رشمنان تاراند و پرتاک کرد به جانی دور

که شغل‌های دریغ و دردش به گوش جانان نشست و خواهد شد از پیش از کودتا

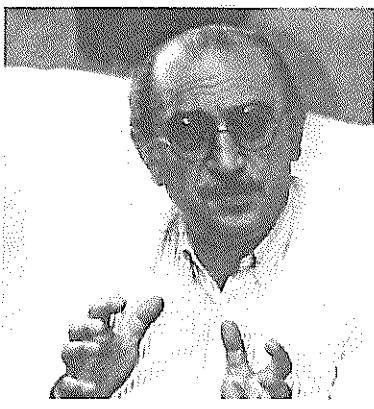
باشد در این کارزار گرفتار آمدیدم، و فرزند خشم اگین نشست که دیو خشونت است ما را از

پیش رشمنان تاراند و پرتاک کرد به جانی دور

که شغل‌های دریغ و دردش به گوش جانان نشست و خواهد شد از پیش از کودتا

باشد در این کارزار گرفتار آمدیدم، و فرزند خشم اگین نشست که دیو خشونت است ما را از

پیش رشمنان تاراند و پرتاک ک



## پیحرانگفتار در ایران امروز

چنگیز پہلوان

داد و جامعه را به بلوغ بیشتر در پوابر استبداد خزنه و حاکم سوق می دهد. جنبش تیرماه دانشجویان این خصوصیت را به وضوی به تماش در آورده و جنبش ایران را به مرحله ای تازه رهنمون گشت.

در انتخابات بهمن ماه مجلس شورا، مردم از این حکومت و از بازی های سیاسی سخنورده بودند. تنها در هفته آخر اصلاح طلبان درون ساختاری موفق شدند عواطف مردم را به سوی یکی از نامزدها برگرداند و شرکت بیشتر را در انتخابات زمینه سازی کنند. در این مرحله نیز مردم برای طرد یکی از نمادهای نیرومند حکومت وارد انتخابات شدند، نه برای تائید ساختار کنونی قدرت. مردم در هر جاکه بتوانند ناراضی خود را از وضع موجود نشان می دهند.

این ناراضی بحدی نیرومند شده که می تواند نگرانی های تازه ای را موجب شود. مردم در بیست و نهم بهمن به نامزدهای ناشناخته رای دادند تا ورود نماد قدرت حاکمه را به مجلس باز دارند. در نتیجه مجلس ناشناخته برپا گشته که نه اعتباری دارد و نه منزلي. افراد نه به اعتبار لیاقت و کوشش خود، که به اعتبار بستگی هایشان با دیگری و استفاده از نفرت مردم از نماد قدرت، انتخاب شدند. در وضع فعلی این مجلس به همین دلیل و بد لایل دیگر قادر نیست با نادیده انگاشتن توان عظیم تخصصی جامعه دست به کار مهمی بزند.

جنبش های خودانگیخته نه تنها نیروهای اجتماعی را سالم سازی می کنند، بلکه از درون خود نیروهای سیاسی و فعالان خودباخته جدیدی را به جامعه می شناسانند. این فعالان جدید از بستر مبارزه ای اجتماعی بالاند می شوند، نه از درون زد و بندگان گروههای عقیم سیاسی که به کسب چند کرسی و چند منصب در همین وضعیت دخوش کرده اند.

جنبش های خودانگیخته تنها وسیله مطمئن برای مقابله با قهرمان سازی های کاذب کنونی در ایران است. تنها چاره برای مقابله با روش های جذب، ادغام و خشی سازی تقاضاهای اجتماعی، فرشنگی و سیاسی توسل به جریان های خودانگیخته بر اثر دخالت و نفوذ نیروهای خودکامه، امنیتی و مافیائی به دست عناصر ضد جنبش می افتد، درمان این درد را باید از درون خود این بیرون کشید: خودانگیختگی علیه دست آموزی. از اینها که بگذریم جنبش های خودانگیخته خوابگه آرام اپوزیسیون و سازمان های عقیم آن را برهم می زند و امواج تازه ای به راه می آندازد، اندیشه و حرکت فرهنگی را صیقل می دهد و رکود فرهنگی کنونی را که در نوعی ذوق زدگی و خوش باوری تجلی می یابد از رونق می آندازد. جنبش های خودانگیخته پادزهر سیاست های امنیتی بدل سازی ایست که رواج حریت انجیزی در جامعه پیدا کرده است. بدل سازان از هر چه و هر کس که شما دارید، بدل آن را درست می کنند. اگر ملی دارید، اینان هم ملی می تراشند، اگر بوسیالیست دارید اینان هم سوسیالیست درست می کنند و قس علیهذا. جنبش خودانگیخته معادلات امنیتی این دستی را به هم می زند. موقعیت ها را به سرعت نوسازی می کند و از دستگاه امنیت و بدل سازان حرفه ای که چشم به عنایات اشتفته بازار فرهنگی - سیاسی دوخته اند، پیشی می گیرد.

اندیشه برداری، به شیوه سازی امن جامد و در بدبودن حالت در بدل سازی متجلی می شود. در شیوه سازی ما نتوی شنی یا موضع را به صورت مطلق در اختیار نداریم، در حالی که در بدل سازی صورتی از شنی را که احصال ندارد در اختیار می گیریم و شنی اصلی را بکسره بی اعتبار می سازیم یا آن را مورد تردید قرار می دهیم. این است و وضع فرهنگ در جمهوری اسلامی و بنیادهای فکری برای رویارویی با آن که از خصوصیات جنبش نوین اصلاحی بدشمار می روند.

این تحول در سال‌های بعد نیز سر بر آورد و با سرنوشت مشابهی رو به رو شد. تردید نیست که بار آخر شعار برپائی شکل ها مجامع صنفی غیردولتی را دوم خردادری‌های کنونی عنوان کردند و مدافعان این اندیشه شدند. این دفاع که از سر ضرورت و بر اساس سبک‌باری‌سازی دستگاه حکومت طراحی شد، و به مرحله فوایدی نیز در پرداشته است، اکنون به تدریج ممکنی به ساختن دولت گشته است و انتظار دارد که دولت به بستر ایجاد چنین تشکل‌هایی باری رساند. به همین لحاظ فنکری که به وجه غیردولتی جامعه‌توجه دارد، در چنبره همان دولت در جای زند. مطبوعات و سازمان‌های صنفی و حزبی همه و همه در اختیار حکومت جمهوری اسلامی یا اصلاح طلبان همین حکومت‌اند. نیروهای اجتماعی نواوباسته هنوز هیچ حقی داراند.

دمکراسی کنونی نوعی دمکراسی انفعالی است. مخالفان و دگراندیشان در انتخابات فقط می‌توانند از میان افراد گزینش شده دست به گذگریش پزند. ارتباطی یکسویه برقرار گشته است. مشارکت در واقعی و رویدادهای مجاز است که از پیش به تصویب ساختار دولت رسیده باشد. چنین مدنی باهدایت نیروهای دولتی و با صلاح دید دستگاه امنیت جهربایان می‌باشد. چنان که امّد تحریه تشکل‌های کارگری در ایالات متعدد امریکا هشدار می‌دهد که ازین بنی‌بست بیرون پجهشم و از چنگ گرودهای پیشتر دارد.

راهیابی برای کسانی دشوار است که هنوز به صلاح می‌اندیشند و خواستار تحول تدریجی ما عیق جامعه کنونی ایران‌اند. کسانی که به دگرگوئی‌های ناگاهانی فکر می‌کنند راهی آسان را بایت آنديشه در پیش گرفته‌اند. نفی همه چیز را باشين ساختن وضع کنونی با موقعیتی باشانخته. چنین تحولی بی‌تر دید به اعتلای گاهی جامعه کم نمی‌کند. جامعه و کشور را به سروشی مبهم سوق می‌دهد که اشاره باخواهاندی را به همراه می‌آورد.

اصلاح‌اندیشان راستین باید به ارزیابی این بسته‌دنی حاکم بر ایران تن دهند و از آن رو کشیده کوشش‌های اصلاحی کنونی خصلتی درون حکومتی و درون ساختاری دارد. این کوشش‌ها با مسیر تحولات طبیعی جامعه سازمان‌گارند و در نهایت به تشنهای متفاوت از نتشنهای جاری می‌انجامند. استقرار جامعه‌ای بسته بر سازمان‌ها و تشکل‌های مدنی آرزوی مدهم اصلاح‌اندیشان است اما نمی‌توان و نباید ین تحول را به دست نیروهای خودی دولت کنونی و اگذار کرد و در انتظار مرحمت و درست‌اندیشی آنان نشست.

دو تحول مهم اجتماعی در دوم خرداد ۷۶ و چنیش دانشجوئی در تیر ماه ۷۸ نشان داد که خصلت کنونی چنیش اجتماعی در دوران کنونی و در غیاب سازمان‌ها و احزاب سیاسی مؤثر، چیزی نیست چن خودانگیختگی. نیروهای سیاسی دگراندیش در ایران امروز فاقد سازمان‌های گستره و کارآمدند و توان طراحی سیاست‌های رویارو و انتربناتیو را ندارند. رپایانی تشکل‌ها و تجمعات مصنوعی نیز راه به راهی نمی‌برد. تجمع عده‌ای پیرامون یک سازمان سیاسی قیم یا پرپایانی دل خواهانه یک سازمان، در عمل به جامعه یاری نخواهد داد که خود را زان بین بسته برخاند. بر عکس تجمعات مصنوعی اشکال مانیاگونه‌ای را بوجود می‌آورد که فقط به منافع اعضای خود از داشتاری انتربناتیو ناشی نمی‌گردد.

کی اندیشید و در راه نماین این مساعی کام بر  
می دارد.  
جنش های خودانگیخته زمینه ساز ایجاد  
مشکل های واقعی مدنی خواهند شد؛ رهبران از  
تشییع تعین شده ندارند. رهبری ها در پست  
جنش ها و به صورت طبیعی شکل می پذیرند.  
دیگری است که در این جنبش ها نیز فساد و زد و  
نمداد راه می یابند. به همین سبب یاد به برپائی  
نواع جنبش های خودانگیخته هست گماشت.  
نه کسی پس از دیگری. از درون این جریان  
بیچاره و بغرنج است که جامعه می تواند رهبران  
خود را شناساند کند و از قید و حصار دولت و  
صلاح طلبان کنونی راهی به بیرون بگذاشد.  
فوادانگیختگی نسین در رویارویی با  
ستگاه های نظارت در قیاس با سازمان های  
سیاسی تشکل یافته کمتر اسیب پذیرند و امکان  
قایق پیشتری دارند. سرگوب هر جریان  
خودانگیختنی به جنبش دیگری میدان خواهد

چنین اصلی ایستادگی می‌کند و حاضر به قبول ن نیست، نه در سخن و نه در عمل. در ایران تکنون اندیشه‌های دینی متفاوتی ظاهر شده‌اند که اکثریت آنها در تضاد با تفکر دینی حاکم قرار دارند. فرق دینی جدید روبه افزایش اند و گروههای سیاسی جدیدی سر بر می‌آورند که حکایت از عدم رضایت مردم به خصوص چنان از عملکرد گروههای سیاسی حاکم را مستجلی می‌سازند. این جریان‌های جدید در واقع حرکت‌های فکری نوین جامعه ایران را به مانع ایجادهای فکری جامعه می‌شود و سرانجام در یک جریان تاریخی طولانی به ثبات فکر و عمل جامعی می‌انجامند.

از این گذشته حق پرسخوری داری از آزادی وجودان این امکان را فراهم می‌اورد که هر کس متراند بنا به میل خود، دین و ایمان خود را نتخب کند و آزادانه به بحث و گفتگو پوشید و از اصول خود در حد ممکن به دفاع بrixzid.

دفاع از اصل آزادی اندیشه اگر عمق نیابد و وجوده تبلورش به وضوح بیان نشود، چیزی پیوچ بی اساس خواهد گشت. در حال حاضر مهم‌ترین خصلات آزادی، همان آزادی وجودان است. حرast از اصل آزادی وجودان از سوی یکیگر به معنای مردود شناختن فتوهایی است که گرگاندیشان را هدف می‌گیرند و قتل یا نابودی ننان را قصد می‌کنند. جامعه ایران بدون رخورداری از این حق با بنیست‌های تازه سوواجه می‌شود که آن رش نایداست.

۲- پیوند با تاریخ  
انقلاب اسلامی سال ۵۷ که با طرد تاریخ  
گذشته ایران در جست و جوی هویتی تازه و  
مکسره متفاوت بود. بدین معنی اینکه این تاریخ  
بود به مطلق اندیشه گذشته که دستاوردهای  
تاریخ اسلامی ایران را درست ارج نمی نهاد.  
بنابراین واکنش در حال حاضر به مطلق اندیشه  
گزینش اینچه است و نوع تازه ای از نادیده گرفتن را به  
بار اورده است. نفی تاریخ گذشته را که در  
سیاست های فرهنگی امروز به شدیدترین  
جهی مشاهده می کنیم، نباید فقط منحصر  
باشد به گروه های اسلامی. این پدیده در  
دلترین شکل نزد نیروهای چپ، و به میزانی  
مشخص و محدود نزد نیروهای ملی و به میزانی  
می شchter در میان نیروهای ملی - مذهبی به چشم  
می خورد.

عده‌ای از اندیشگران و روشنگران نیز با  
غفی تاریخ خود در صدد کسب منزلتی تازه‌اند تا  
ز آن راه بتوانند اکنون زندگی خود را پوشیده و  
می‌باشند. سیاست‌های فرهنگی دوران انقلاب  
اطمینان مطلق تاریخ باستان ایران و نفی خردسیز  
تاریخ ملوك و سرداران و اندیشمندان ایرانی،  
مجموعه جامعه را بدسوی بی‌هویتی سوق داده  
است.

کوتاه‌سازی تاریخ، گزینش در تاریخ به  
صورت دلخواه و انجاز از پیشنه و گذشته،  
و شیوه است ناپسند که واکنش‌های تازه‌ای را  
وجود شده است. گروهی با افرادی گزی خاصی  
بار دیگر به نفی اسلام و شیعه رو اورده‌اند و  
نزدیک این اتفاقاتی را نیست به دین  
پیروز ناند. اینها همه واکنش‌های است نیست  
که طور تلقی جمهوری اسلامی و سرکردگان آن  
که حتی تا همین گذشته اخیر و همین امرور نیز  
بخاناتی گشیخته نیست به تاریخ و فرهنگ  
ایران بیان کرده و می‌کنند. تفکر غیرعلمی منبری  
که آمیخته با هیجان است و به همان لحظه و  
ترقبه‌شی فوری می‌اندیشد، اغتشاش در ذهن  
تاریخی را که پیش‌زمینه‌هایی داشت به اوج  
رسانده است به نحوی که اکنون آن را به ضد  
خود تبدیل کرده است. جامعه ایران در حال  
حاضر نیازمند نوعی تعادل در اندیشه تاریخی  
است. پیوند با گذشته جزئی مهم از روند  
ازیزیابی تعادل اجتماعی محسوب می‌شود. این  
تعادل به تفکری مستقل، صمیمی و بیانی آزاد  
حاجتمند است که به کمال پرسد.

۳- خودانگیختنی  
از مشروطیت به این سو جامعه ایران شاهد  
مکل‌گیری انواع تشکل‌های غیردولتی بوده  
ست. شمار انجمن‌های مردمی در تهران در  
ستر انقلاب مشروطیت از صد گذشت، اما در  
ندک زمانی به سبب اغتشاش و نیود زمینه‌های  
اجتماعی و اقتصادی مناسب فده آنها در معرض  
روپاشی قرار گرفتند و از صحنه خارج گشته‌اند.

نیوچک نشات می‌گیرد، نمی خواهد مبنای  
وام‌گیری خود را بنمایاند تا «مدیون» کسی و  
ئرسروهی نباشد و هرگونه ادعای احتمالی  
شارکت در ساختار قدرت را طرد می‌کند.  
سنانی که تا دیروز گفتار فقهی و ایدئولوژیک  
ذذهی را پی می‌گرفتند، حالا با یک چرخش  
بریز گفتارهای یک سره متفاوت را که در  
سازمان گفتارهای اندیشه‌ده هم نیستند و فقط  
کاربریده مورده دارند، بر می‌گیرند و از آن  
خود جلوه گر می‌سازند. اینان به مدد رسانه‌های  
حق‌صادری و استفاده از سازمان آشناه علمی در  
مشور نمایندگان طرز تلقی و نگرش اثائی تازه  
می‌شوند. حفظ قدرت اگر ایجاب کند، در  
ترکیبی دیگر به گفتارهای دیگر چنگ  
می‌اندازند و مضماین کنونی را رها می‌کنند. از  
بن روست که فکر می‌کنم آن چه در حال حاضر  
رجایران است فاقد عمق و ژرفای لازم است.  
تلک واقعی این نحوه رفتار چیست؟  
لایه‌های پائینی جامعه که بر اثر انقلاب به  
در درت رسیده‌اند، و به صورت حاکمیت یا  
پوزیسیون خودی از منافع پیکاری بهره‌مند  
می‌شوند. در اصل در ارتباط با کسب و تجارت  
نوچک بوده‌اند؛ در مقیاسی خرد به سوداندوزی  
وجه داشته‌اند و در آرزوی کسب و تجارت  
زیگ روزگار می‌گذرانده‌اند. این مردم،  
زندگی خود را با تسلی به عقاید دینی  
می‌آرستاند و از ورود به زندگی مدرن بیم  
اشتگاند و در نتیجه هیچ مسئولیتی در قبال کل  
جامعه نمی‌پذیرفتند. رستگاری نهایی را در  
ن جهان می‌جسته‌اند و سود را نیز در زندگی

ین جهانی بر اساس معیارهای شرعاًی توجیه کرده‌اند. هر خطأ و عمل ناشایستی نیز با رداخت خسوس و زکات پاک می‌شد و باری بر ورش مؤمن نمی‌گذاشت. انقلاب، افق‌های سازادی در برای اینان گشود و امکانات اندازه‌ای در اختیارشان قرار داد، اما چنان‌که یید بستر فکری و فرهنگی آنان را دگرگون ساخت، از آن‌جاکه سود تها از طریق مبادله عالمی ملموس کسب می‌شود، ارزش برای فکر اندیشه که کالاهی نامملووس و بی‌ارج محاسبه شود قائل نبودند و نیستند. تنها یک فکر مان می‌توان آنها را برگرفت و هر زمان که زم شد از آنها در گذشت و به دور انداخت.

کسب کوچک که همواره در آرزوی دسترسی کسب بزرگ است، از آن‌جاکه فاقد استقلال است، قائم به ذات عمل نمی‌کند؛ بسته به نحوه عمل کسب بزرگ و بسته به امکانات به گردش ر می‌اید و هرچراکه فایده‌ای بیند به همان سو روید، به همین سبب هم، جهان دشمنی کسب کوچک، جهانی و استد و تغیریابنده است؛ حالا که در قدرت قرار دارد به همان میزان که در غاز انقلاب توانست خشونت به کار بیند، به انسان میزان نیز حاضر است از معیارهای پیشین دول کند، و مسیری دیگر را برگزیند، تنها دران خاطر که بتواند بر جا بماند و به کسب سود ر شکل‌هایی جدید بپردازد و به صورتی دیگر با اتکا به ارزش‌های متفاوت و حتی متضاد و استفاض عنان قدرت را در دست نگاه دارد. این اوری در مورد بخش عظمی از روحانیت نیز مصدق می‌کند که از لایه‌های مشابهی برآمده است. از این رو شاید بتوان گفت که جمهوری اسلامی بی‌اخلاق‌ترین حکومت در طول تاریخ ایران است؛ نه به چیزی پای بند است و نه به نیزی معتمد. دین نیز برای اینان وسیله کسب و حفظ سود و قدرت است، نه اخلاق و روشی اندگار برای زندگی. دین ایستان خصلتی

۶- چند محور  
با توجه به آن چه آمد اگر بخواهیم چند اصل و  
محور بنیادی را برای عمل اجتماعی روشنگری  
ترفی ایران در دوران معاصر بر شمریم، به نظر  
من قلم عبارتند از:

نوشته زیر متن کامل سخنرانی آقای چنگیز پهلوان در کنفرانس بولین است که در شماره قبل قسمت اول آن از نظر تاریخی گذشت و اینک قسمت پایانی آن را می خوانید.

۵- موقعیت روشنگری

پرسشی جدی این است که در چنین موقعیتی بفرنج و اشتفتای کناباسامانی از سر و روی آن می‌بارد و بحران هائی ناشاخته به بار می‌نشاند، چه باید کرد؟ روزگاری بود که بویژه روشنگری چپ با این پرسش لینین دست و پیونج نرم می‌کرد و خود را بـ اندیشه و نیازندیشیده سرگرم می‌ساخت. امروز حتی همین روشنگری که خصلتی عملگرا نیز داشت بخصوص پس از فروپاشی شوروی از کنار چنین پرسشی می‌گزد و ترجیح می‌دهد خود را درگیر آن نسازد. روشنگری کوئی هم که طیف گسترده‌تری از اهل فکر را در قیاس با روشنگری چپ در بر می‌گیرد، بد علل مختلف همde گفتارهایش را وسپرده است. کیج است و گمگشته و توان بازیابی خود را ز دست داده است. گفتارهای تند پیشین هم به گفتارهای مهم و مضطرب جا سپرده است و توان تولید گفتاری مستقل و متمایز را نیز از بیم اتساع کارشکنی در روند اصلاحات از دست داده است. کانون نویسندهان نیز در برگیرنده تسایلات عمده روشنگری کوئی ایران نیست؛ نه اندیشه‌هایی بر جسته طرح می‌کند و نه گزینه‌ها و آلتنتاتیوهای شایسته او راه می‌کند. روشنگری عرفی در اینجا و آن‌جا عقاید و باورهایش را اشاعه می‌دهد و هنوز تبدیل به یک جریان سازمان یافته و نیرومند اجتماعی نگشته است.

در دورانی که بحران گفتار از هر سو بر آورده است، مهم ترین وظیفه روشنگری پر هیز از موج سواری و موج سازی، و اتخاذ بیانی روشن، ساده و درون زاست. از این گذشته روشنگری عرفی باید بر سر مواضع عرفی خود اصرار بورزد و از ظواهر و ابهام افرینی های رایج دوری بجودی. آینده ایران در گرو پیروزی اندیشه های عرفی است. روشنگری باید پتاند از ازادی و جدان به دفاع برخیزد و به جنبش های خودانگیخته ارج بنهد و خواستار برایانی تشکل های مدنی از درون چنین جنبش هایی باشد. دلستن به تشکل های مدنی صوری و حکومتی به بی حاصلی می انجامد و جامعه را بر بنیادهای سست و اسیب پذیر قرار می دهد.

در گذشته که بحران گفتار تا این حد در گردد نبود، کسانی می توانستند گفتارهای را طرح کنند که از انتشار فرهنگی و اجتماعی لازم برای طرح کردن این گفتارها برخوردار می بودند و بنایه ادب خاصی این گفتارها را مطرح می ساختند. کافی است حتی نگاهی بیندازیم به دستگاه فقه شیعی، یا به گفتارهای ادبی و سیاسی و حتی اجتماعی. اکنون که حکومت اسلامی برای بقا به هر چیزی دست می اندازد، همه چیز را در نتیجه به هم می ریزد. این اعتراض حساب شده بدان سبب بروز می کند که هیچ کس نسبت به هیچ گفتاری حساسیت شان نمی دهد. فقدان سازمان های علمی و دانشگاهی معتبر بر میزان این اختشاش نیز می افزاید. دانشگاهها و سازمان های علمی ایران به حدی سیاسی شده اند که تولید دانش و دانش اموخته را در خدمت اهداف سیاسی حکومت قرار می دهند، نه در جستجوی حقیقت. در نتیجه، نه جامعه و نه دستگاه های تخصصی توانانی سنتش گفتارهای کنونی را ندارند و عمل اجتماعی نیز درست بدان علت که در خدمت قدرت قوارگ فتنه است، اجازه نمی دهد میزان صحبت و صداقت گفتارها درست سنبده شود.

گفتارهای کنونی در ایران به هیچ مرجع یا مؤلفی نسبت داده نمی شوند. ترجمه روزنامه افغان غربی به زبان فارسی، دست اندازی تاروشن به اندیشه ها را تا حدودی به صورت امری طبیعی جلوه گر ساخته است. اما درست

همین جمهوری اسلامی که سواره بر نام سپید و تخصص فقهان در مقاطع مختلف تاکید می‌گذشت و به همین بهانه مسیاری را از حق شرکت در انتخابات مجلس شورا و هم اکنون مجلس خبرگان محروم ساخت و می‌سازد، اکنون کار را به جایی رسانده است که هر چیزی را پر می‌گیرد و یا یک پسوند اسلامی آن را از آن خود می‌سازد. این کوشش که فقط بد قصد حفظ ساختار کنونی قدرت صورت می‌گیرد، شناختن اندیشه روشی ندارد؛ معلوم نیست از کجا آمد است و بر اساس چه معیاری به شکل کنونی رواج می‌یابد. جمهوری اسلامی تنها به سود و فایده می‌اندیشد، نه بد حقیقت و اعتدالی جامعه. به همین سبب است که منشأگفтарها و اصل فکر منسخ شده به مخاطبان معرفی نمی‌شوند. رفتار این جمهوری که از بازار و از کسب

نگاهی سخت و بی‌هدارا لزسوی یک اصلاح طلب

ملیحہ محمدی

تحلیل گاهی ملی و گاهی قومی می‌نامیم، این وازگان آیا تنهای ظرافت‌های ادبی ما را نشان می‌دهند. یا بار معین مفهومی دارند؟ مثله چهارها و آذربایجان در میهن ما با توجه به جغرافیای سیاسی ایران در رابطه با همسایگانی که بخشی از این مسئله ما را به درون مرزهای خود می‌کشانند کدام الگوی تاریخی و باکدام راه حل جدیدی را مطلب می‌کند؟ و بسیاری سوال‌های مشخص دیگر که در حوصله این منظور خاص نیست اما طرح سوال به خودی خود اگر چه می‌تواند مغاید باشد و قطعاً نقد جدی نیست و این در حالی است که مطلب رفیق جواهری حتی طرح سوال نیز نکرده است و فقط یادآوری کرده است که بد بود، یا ضعیف بود، «بروید از استاید پرسید» سیار خوب! اما شما که یکی از پیگیرترین منتقدان سازمان هستید که علاقمندی شما را به سرنوشت سازمان همین شرکت شما در کنگره‌های سازمان که مستلزم صرف وقت و هزینه است اثبات می‌کند. مغاید است که بگویید طرح شما چیست که بر اساس آن طرح پیشنهادی به گشته کم مایه و بی‌مایه است؟ و یا لاقل کدامین نکته‌ها را از استاید فن بپرسید. چنین برخورده باندیشه دیگران نه تنها بخورد متکبرانه و از بالا را به ذهن متدار می‌کند، نه تنها این تصور را پیش می‌آورد که گوینده جز یک عنز جزم برای انتقادکردن، مطلب دیگری ندارد، بلکه هیچ گشتشی نیز برای توجه به امری که شما آورده‌اید باقی نمی‌گذارد. برخورد رفیق جواهری با طرح اسناد سیاسی گوناگون در کنگره و در نهایت تصویب سندي که هم موافقان اصلاحات را وهم هواداران انقلاب را در محور نگاه می‌دارد، نیز از قاعده کلی ایشان که نگاه تند و سرکش به واقعیت و عدم تحلیل مشکل است برکنار نیست. از نگاه من نیز، اوردن اسناد گوناگون به گذگردکه هم از جانب اصلاح طلبان و هم از جانب دیگر وجود داشت، یک مشکل، اما یک مشکل تاریخی است و از زاویه کشف مشکل، باید نگاه کیم به عدم تحلیل مشکل است برکنار نیست. از نگاه اصلاح طلبان از یک سو، و میان طرفداران خط هم اصلاح و هم سرنگونی - زیرا «جریان» معتقد به انقلاب قطعی امروز در سازمان نداریم و واقعیت ایس است که اگر اندیشه‌های اصلاح طلبی و انتقایلگری در سازمان بخواهند به یکدیگر نزدیک شوند. نخست باید این اندیشه‌ها را در درون اصلاح طلبان، و از سوی دیگر در درون جریان مقابل یک دستی و روشنی بیابد اما از این گذشته و از زاویه مثبت که قطعاً همواره در هر رویدادی قابل روئیت است. طرح و تصویب چنین سندي برای من نشانه باریز پیش روی حقیقت است که من آن را پیروزی حقیقت صلح و اصلاح طلبی می‌بینم هم در جامعه و هم در سازمان؛ هم در عمل و هم در نظر و مگر واقعیت این نیست که هر دو پدیده جداگانه‌ای برای یکی‌شدن نخست به هم

تحولات اصلاح طلبانه و آزادیخواهانه فراروینده هست و ....

آنچه از صفحه ۷

پی طرفداران ولايت مطلقه فقيه از ويژگي های دده سوم انقلاب است. ولايت مطلقه فقيه، به لحاظ اخلاقی، فكري – فرهنگي و نيز بلحاظ برنامه های اجتماعی و اقتصادي شکست خورده است و در سرشاری شکتهای سیاسی قرار دارد. برنامه ها و سياست های طرفداران ولايت مطلقه فقيه در سه انتخابات مهم در کشور، على رغم کارست هزار ترفند قانونی و سیاسي و تبلیغاتی و تشکیلاتی، کمتر از ۲/۰ از ۱۰ ای اعومی جامعه را به همراه داشت. دده سوم انقلاب، دده تحولات سیاسی و شکست های سیاسی ولايت مطلقه فقيه است. اما خطای اگر برایمن فکر باشیم که از درون این شکست های بخود خود و الاما تحولات سیاسی با مضمون ازادی و دمکراسی و دولت دمکراتیک در خواهد آمد. یکبار دیگر تباید دچار این خطای شویم که «چو دیبور و دفرشه در آید». دیوها در فرنگ و تاریخ ما، هیشته هزار سر و هزار چهره داشتند و دارند و هر بار به شکل و شایل جدیدی در می آیند. روح دین خویی، سنت گرانی و استبدادی تاریخا شکل کرفته در جامعه ما، اگرچه در حال گست و اضھال است ولی هنوز نمرده است. على رغم تحولات فكري – فرهنگي و اجتماعي و اقتصادي، هنوز هم ضمير ناخداً گاه ما، برای ما رمزمه می کند که «شیر خدا و رستم دستانم تحولات سیاسی فرار و پیشنهاد. در هم تبیه شدن و همپیوسته بودن تغییر و تحولات فکري – فرهنگي، اجتماعي و سیاسي از ويژگي های دده دوم انقلاب است. اگر تغیير و تحولات در دده اول انقلاب، بطور عمده فكري – فرهنگي و اجتماعي بود، نه سیاسي و بطور پراکنده، در جویبارهای کوچک و جدا از هم جریان داشت، در دده دوم انقلاب، در هم تبیه شدن و در برنامه ها، سیاستها، روشهای و اشکال مسوارزاتی و ساختار حزبی نیروهای سیاسي و در جمیعت گیری های سیاسي و برنامه ای مردم، تجلی پیدا کردند. شکست های پی در پی طرفداران ولايت مطلقه فقيه در انتخابات دوم خرداد ۱۳۷۶ و شوراها و انتخابات ۲۹ بهمن ۱۳۷۸ و پیروزی مردم و نیروهای آزادیخواه و اصلاح طلب درون دولتي و برون دولتي در آنها، یاز تابی از این روند ها و جمیعت گیریها بودند اين روند ها و جمیعت گیریها اگرچه به لحاظ مشمولی و ساختاری هنوز شکل واره هستند ولی می روند تا شکل نهایي خود را بیانند. جمیعت گیر های سیاسي و برنامه ای مردم، پیروزی های مردم و آزادیخواهان و شکتهای سیاسی و برنامه ای پی در برون دولتی و اصلاح طبلان درون دولتی و

جنوب آسیا و در همین اروپای متعدد با تجزیه طبلوچانی سوسیال دمکراتی ارتش های سرخ و پونگادها را به وجود آورد. تجزیهای که در پیش از تاریخ تحولات این جوامع انجمن ناساز بود که به تسامی نابود شد. راستی چند نفر از ما به این می آورد و می اندیشد به تجزیه انقلابیون اتفاقار؟! در آن غوغای پرچم های سوسیالیست بیع گوش ما کشیدن پرچم های سوسیالیست بیع گوش ما چقدر شد؟ و تجزیه سپار نزدیک به ما در میهن خود را که ایران در سی سال پیش از این ناچار بود که ز جائی آغاز کند که احزاب سوسیالیست کردند و لوكاپامورگها لیکنیشتها را با تسام عشقشان به عدالت در پیشگاه واقعیت قربانی کردند. اما دید رفیق جواهری از رابطه هبری و بدنه در یک سازمان سیاسی رابطه برید و مرادی است که شکستی به آن وسعت را که بشیش چپ ایران در مجموعه خود گرفتار آن شدند و خود حاصل پیشی بود که بر عظیم ترین سنت نفی این آدمها جهت می دهد. بخش برداخت ایشان به انتخاب رهبری در واقع مؤید نمین نظر همه چیز گرفتن رهبری و هیچ گرفتن عضاست! هم انجانی که در سوره رهبری از راهه مش و شخصیت، و در مرد اعضا کنگره ز واژه شعور و آگاهی استفاده می کند. و هم نجاکه تحويل و تحول پیش انقلابی تا حللاح طلبی را تنها محصول اراده رهبران می داند. و اینجا سخن را به درازا بردن پیموده است. ایشان باید به یاد بسیاره که در مقطع نقلات ایشان پیش از آن رهبری سپرده اند، بلکه در مکل گیری مجدد سازمانی با رهبران و اعضای این سال شرکت مستول داشته اند. و امروز برگ رفرمیست هستند باید خوشحال باشند که بخشی از آن رهبری سایه که اصلاح طلبی را به بخشی از رهبری سایه است نیز به تبع حضور گوئند ایشان نپدیرفته است اما باز همان پرخواش ایشان خود باید در رهبری حضور این رهبری نگاهی بیاندازند و بیینند که کثیریت اعضا آن جدید هستند، اما باز نه زوماً با تکریج دیدند و باز نگاهی بینند به همان جزایی که اشاره کردند و بینند که رهبران این حزب از چه سایقه حضوری در رهبری پرخواهند. و من ایشان دارم که هر چقدر که فعالیت سیاسی به طور اعم نیروی جوانی طلبی، رهبری سیاسی به طور اخص به نیروی امن تجزیه نیازمند است و تجزیه سیاسی به اعتقد این مجموعه ای از شکستهای اشتباها و حتی مطالعهای تاریخی است.

نیاز به بررسی چندگانه دارد.  
اما برای نگاه کردن به پرخور ایده ایشان ساده مسئله ابتدا و انتهای مقاله شان، من برمی‌گردم به این ادعا که گفتم بیش اصلاح طلبانه در ایشان تعیق یافته و نهادی نیست و رویارویی ایشان با مشکلاتی که در سازمان می‌یابند از این گونه نیست. او تقسیم میان اصلاح طلبی و انقلابی‌گری را از جمله تقسیمات ابدی جدا گانه نگاه می‌کند. لازم نیست که او این را ادعا کند بلکه در عمل آنچه که بخشی از رهبری سازمان را به مردم این که در گذشته دارای مشی انقلابی بوده‌دان از حضور مجدد در ارگان رهبری مستعین می‌کند به معنای آن است که اول از قابلیت تبدیل آندیشه‌ها را به یکدیگر در نظر نمی‌آورد و ثانیاً هنگامی که به نماچار آن را می‌بیند به جای آن که این پدیده را مقوله‌ای مثبت ارزیابی کند، آن را در حساب منفی آدم‌ها می‌نویسد. به این بحث فکری بیشتر نگاه کنیم. رفیق چواهری مقاله را در واقع از انجانی آغاز می‌کند که عنوان «پاشنه اشیل» بر آن نهاده و جوری آغاز می‌کند که توقع یک تحلیل علمی راهکشان را در خوانندگان برمی‌انگیزد. می‌گوید: «بررسی سیر اندیشه در سازمان شاید یکی از کلیدی‌ترین مسائلی است که شناخت ادمی را نه تنها از گذشته... بلکه سکوتی برای نگاه درست‌تر به آینده است» و مطلب را که ادامه می‌دهی می‌بینی که نه تنها سیر اندیشه بررسی نشده است بلکه فقط تکرار همان ایراد کلی همیشگی اندرا حدیث «بضاعت فکری اندک» بینگان‌گذاران سازمان که از فرط تکرار حتی در همین نشریه «کار» دیگر هیچ تاثیری مگر کمال برمنی انگیزد. بد واقع فایده تکرار یک ایراد کلی آن هم بعیق تجزیه و تحلیلی چه شناختی را افزایش می‌دهد. یا کدام سکوتی برای آینده است؟ به واقع فروزنختن دیوار برلین آیا بر بستر «روزمرگی سیاسی» در سازمان سبب «ریزش بزرگ» در سازمان گردید یا این واقعه حیرت‌بار تاریخی در احزاب کمونیست صداله در کشورهای پیش‌فرمجهان نیز ریزش سازمانی ایجاد کرد؟ و ضعیت احزاب کمونیست در آلمان، فرانسه، ایتالیا را بعد از این حادثه چگونه باید تبیین کرد. احزابی که هیچ کدام در دهه‌های اخیر نه مشی سرنگونی را دنبال می‌کردند و نه سیاست شکوفائی را؟ به راستی برای بررسی آنچه که در سازمان گذشته است ایا بهتر نیست که این ضرور و این روند را در مجموعه شرایط تاریخی به وجود آورند و آن بررسی کرد؟ این بسیار واضح است که بینگان‌گذاران سازمان در قریب سه ده پیش از این بر بستر امکانات عینی و ذهنی موجود، در خود و در جهان حرکت کردند. اما این «بضاعت اندک فکری» که دائم از آن یاد می‌شود، بار تحقیر امیز کمتری به خود می‌گیرد. اگر رفیق چواهری نگاه ارام اتری بیاندازد به روند آغاز و انجام حمه جنبش‌هایی که در آن موقوعیت در جهان شکل گرفتند و بینند که تمامی آنها در نقطه‌ای کم و بیش مشابه ایستاده‌اند. - البته اگر اساساً باقی مانده‌اند! - و به یاد بیاورد که در اوآخر دهه شصت میلادی تجربه ظاهراً موفق انقلاب کویا بر زمینه شکست سنگین حزب توده ایران، جوانان بیست و چند ساله جویای عدالت را به راهی کشاند که حکم تاریخی بخش بزرگی از جنبش چهانی چپ بود. از امریکایی‌ها لاتین تا

فرهنگی و اجتماعی و سیاسی نوین است. سیاست امپراطوری ایرانی اینها ایجاد شکاف میان نیروهای جنیش، جزئیات اختلاف دوم خرداد، جلب بخشی از آنها خود، سرکوب پیش پی گیر آنها، سرکوب نیروهای ملی - مذکوب پروندهای دولتی و نیروهای نیروهای دیگر و دیگر و دیگر نیروهای دمکرات تیک «چپ» و دیگر نیروهای خوششو» است. ولی اگر آنها نتوانند با خشونت و تکههای «قانونی» و غیر قانونی خود، جنبش رو به شد را بشکست بکشانند، که بعد بینظیر می‌رسد، رو شواها و اشکال دیگری متول خواهند شد. فقای لاریجانی یکی از نظریه‌پردازان آنها در تهاشیش، خبر از مدرنیزه کردن جناح را است داده است.

آنها کوشش می‌کنند با اعمال قوانین خشن و رادادن اختر خشونت و نیرو اوردن به خیابانها علیه طبیعت و مطیوعات پچهای از ادیخواه و باستن وزن‌نامه‌های میهم کشور و دستگیری نیروهای ازدیخواه، راه پیشرفت جنبش رو به رشد مصلح طلبانه را بینند و آنرا شکست دهند. ولی اگر عوقق به چنین کاری نشوند که بعد بظیر می‌رسد در راز مردمت موفق شوند، اختلال این که راه و روشها شکال دیگری را در پیش بگیرند وجود دارد. این به چه احکام‌ها و نشانه و برنامه‌ای را در پیش پوشانند گرفت پاید مورد توجه جدی نیروهای ازدیخواه قرار بگیرد.

## میروزی فشرده پر وضعيت جنبش کارگری ایران

دانش پاکرپور

بین‌المللی کارگنبی بر عدم رعایت دولت ایران در اجرای و به کارگیری مقاوله‌نامه‌های بین‌المللی، تا حدودی امکان تحول در تشكیلات صنعتی به سمت استقلال آماده گشته است و شرایط کنونی یکی از پیشترین فوصلت‌های مسکن را برای کارگران آگاه فراهم آورده است، زیرا که جمهوری اسلامی و خانه کارگر، تحت فشار افکار علومی و بین‌المللی یک گام به عقب نشسته و مجبور گردیده استانه‌انجمن صنعتی و کارفرمایی را تدوین و تشکیل انجمن‌های صنعتی را آن گونه که خود می‌خواهد آزاد بگذارد. در اینجا لازم است که تلاش مداوم کمیسیون ارتباطات سندیکائی و دیگر نهادها و فعالیت کارگری در افشاء سیاست‌های ضد کارگری رژیم را یاد اوری نمایم حضور نماینده این کمیسیون در اجلس‌های بین‌المللی و ملاقات یا مسئولین جنبش سندیکائی و کارگری ایران قابل تقدیر است از همین رو طبق کارگر ایران در راه کسب خواسته‌های به حق خویش، پویژه ایجاد سازمان مستقل، سراسری و نیز و مند کارگری محتاج پشتیبانی جهانی است.

فعالی کارگری پاید برای حق تشکل مستقل، تمام اسکان خود را به کارگرند و با ترقه های کارفرمایان، رؤسای کارخانجات و مستولین خانه کارگر به عنوان یک نهاد وابسته دولتی که سازماندهی این انجمن ها را به عهده دارد و مانع برپائی هر نوع تشکل مستقل و انجمن صنعتی سراسری است اگاهانه به مقابله پرخیزند. خانه کارگر که در ابتدا تشکل و اتحادیه ای مستقل بود، توسط فعالیون جنبش سندیکائی و با هدف همایشگ ندوش تشکل های نوپا و شورائی به وجود آمد. اما با ترقی رژیم در سرکوب احزاب و سازمان های اپوزیسیون، فعالیون جنبش سندیکائی نیز از درون خانه کارگر تصفیه شدند و با مردم سلط ساخت و با کارگری سیاست های تفرقه ایزیر سرکوب قرار گرفتند، رژیم با گشیل دسته های چماق دار به خانه کارگر آن نهاد را به تصرف نیروهای خود درآورد و وابستگان مکتبی خوش را پس از این سلط ساخت و با بکارگیری سیاست های تفرقه ایزیر جنبش کارگری را دچار پراکندگی نمود. اساساً پیشبرد این نوع سیاست با هدف مهار جنبش مستقل سندیکائی تدوین شده بود. وابستگی این نهاد غیردموکراتیک به قدرت دولتی و باور آن به این و اندیشه اسلامی کارگران را به بهانه های یاوهی در مقابل یکدیگر قرار داده و منافع مشترک آنان را با این ترقه ایزکارگر مدارا نهاده است. آنون نیز خانه کارگر ایران به عنوان یک تشکل فرمایشی، غیردموکراتیک، دولتی و ایدئولوژیک که درون واحدهای تولیدی کشور به فعالیت مشغول است به وسیله تعدادی از کارگران رژیم کنترل و هدایت می شود. مؤلفه های فوق یانکر عدم صلاحیت خانه کارگر در پیشبرد مطالبات صنعتی طبقه کارگر کشور می باشد. این امر ضرورت تشکیل اتحادیه و سندیکا را برای طبقه کارگر ایران دوچندان ساخته است. از همین رو پیوند مبارزات کارگری با امر توسعه سیاسی و جنبش آزادی خواهانه جاری در جامعه از اهمیت و جایگاه ویژه ای پرخوردار است. اینکه که مبارزات جنبش داشجویی و توده ای در جامعه روبه اعتلاست می توان با همراهی و پیوند با این نهضت، جنبش کارگری را در راه دستیابی به امماج و خواست های تاریخی آن نزدیک ساخت تا کارگران کشور موفق شوند از طریق تشکل های مستقل کارگری به مطالبات خوش دست یابند و ان گونه که شایسته انسان است از جایگاه و حقوق دمکراتیک در جامعه پرخوردار شوند.

اعتصاب به رسیت شناخته نشده است. برخورداری از حق اعتصاب به عنوان یکی از روش‌های متعارف و شناخته شده اعتراض، که همچ دستیابی به مطالبات مورده نظر، از سوی زحمتکشان به کار بوده می‌شود. در قوانین و بخش نامه‌های موجود همچنان اقدامی غیر قانونی اعلام می‌شود.

در این قانون از انجمن‌های اسلامی به عنوان تشکل کارگری یاد شده، با توجه به این که این نهاد طی سال‌ها جزو جاسوسی و کشتار کارگران آگاه، مبارز و پیشوونتشی ایسا نکرده است، همچنین انجمن‌های اسلامی تاکنون وظایف تبلیغ و ترویج اندیشه‌های اسلامی را پیش برداشته و به متابه ابزار ایدئولوژیک رژیم در محیط کار عمل کرداند.

قانون کار جمهوری اسلامی ایران از پذیرش حق اتحادیه‌ها که نوعی از تشکل متعارف و شناخته شده در سطح بین‌المللی است، خودداری کرده است. همچنین انجمن‌های صنعتی وابسته و عضویت کارگر و ایدئولوژیک انجمن‌های کارخانه در این انجمن ملتفه‌ای از یک مدیریت کارخانه را به نمایش گذاشته است. این نهاد تشکل چندگونه را به نمایش گذاشته است. این نهاد به درستی از سوی سازمان بین‌المللی کار مورد اعتماد واقع دارد.

تشکیل انجمن‌های صنعتی در شرایطی صورت گیرد که ابتکار، سازماندهی و هدایت از توسط یادی از خانه کارگر بوده است و رژیم تاکنون هرگونه ابتکار عمل مستقل کارگری را سرکوب کرده است. به عبارت دیگر شاخص استقلال ره نهاد کارگری اساساً یا جدایی آن از احزاب، دولت، مرکز وابسته به قدرت شخصی می‌شود. تجربه دهها ساله جنبش کارگری به این اموزد که با تعهد و به کارگیری موافقین دیدگریان را مستقل عمل و برنامه جنبش ستدیکاری را با احزاب سیاسی و قدرت دولتی مورد توجه و دقت پیشتری قرار دهیم، و به نوع رابطه اتحادیه‌ها و احزاب نیز با نگاه جدیدتری پردازیم.

از همین رو است که نسخه احزاب در اتحادیه‌ها و سندیکاهای کارگری تباید از زاویه اراده فراکسیون چری و با اخذ پیشیرد اهداف پر نامه احزاب و سلب استقلال سیاست و برname سندیکاهای اتحادیه‌ها صورت پذیرد. این استقلال تباید هیچ پوشش ایدئولوژیک و برنامه‌ای به طبقه کارگری گردد. همچنین جنبش کارگری باید نه تنها از حق کارگران در تشکیل انجمن‌های صنعتی دفاع به عمل آورد، نه تنها از استقلال این نهادها در برایرس دولت حمایت کند، بلکه باید از دیگر انجمن‌های صنعتی نیز دفاع نمایند و مطالبات خود را به شکال مستوفع و امکان پذیر از کمال این تشکلات پیش برد، فعالین کارگری می‌باید دونون شورای اسلامی کار مبارزات خود را با دیگر تشکلات صنعتی همانکنگ سازاند و با حضور فعال خود شوراهای اسلامی را متحول نمایند و تاکسیب استقلال آن از پایی نشینند، تجربه قیام داشجوری تیر ماء و تلاش آن در راه استقلالش و رهایی از قیومیت‌های دولتی و ایدئولوژیک برای پیشروان کارگری بسیار اموزنده است. پس از اعتراض و شکایت سازمان

اور دند. کارگران صنعت نفت طی ۳ سال گذشته اقدام به برپایی تظاهرات و اعتراض حول اجرای مذاکوه‌نامه‌های دست چمی کردند. چنین وضعی نیز بر سایر واحدان بزرگ صنعتی به کرات بد و قوع پیوسته است. اما معاوره این تلاش‌ها در مؤسسات صنعتی کشور با مخالفت و سرکوب شدید از سوی دولت مواجه شده است.

کارگران هرگز توپیلی، ضمیم پیشبرد و تحقق این موضوع، سچانن نیز به برپایی اتحادیه و سندیکاهای مستقل و سراسری تاکید داشته‌اند.

اعتصابات و تظاهرات کارگران صنعت نفت در میان سال ۱۳۷۶ در تهران و شهرستان‌ها که پس از سرکوب خوفینی همراه بود و منجر به کشته شدن چند تن از کارگران توسط گزمه‌گان حکومت گشت، نمونه اولاری از پتانسیل بالا و مقاومت کارگران در راه کسب حرکت‌های برقخ آنان است.

در عین حال جنبش کارگری تا تحقق فتواست هاشیش راهی طولانی رادر پیش رو دارد و کونکون مراحل اولیه مبارزات خوش قرار گرفته است.

مهترین وجه شخصیتی کارگر ایران در شرایط فعلی، تدافعی بودن آن است. این جنبش مبارزه‌اهن را برای جلوگیری از تخریب حداقل معیشت سازمان می‌دهد. کارگران پیشو و آگاه می‌باشد با گسترش درک خود از آزادی‌های فردی جتนาوی و انتظامی آن با فضای سیاسی موجود در جامعه پره لازم را کسب نمائند و خود را برای سازمانیابی و گسترش به مبارزات آینده آماده سازاند. تجربه شان داد که تدوین، تغییر و خمامت اجرای قوانین کارگری از سوی حکومت‌های مستبد و در نظام‌های اجتماعی سرمایه‌داری، تا چه نسدازه بس نیروی، اگاهی مبارزه و مقاومت سازمان یافته کارگران ارتقا دارد.

در چین شرایطی اهمیت سازمانیابی سراسری و نشکل مستقل کارگران و رحمتکشان باز هم پیشتر می‌شود و بازدهی آن زمانی می‌سر خواهد شد که پیورند این مبارزات با جنبش توده‌ای برقرار گردد.

تجادل و بکارگیری گلکی کارگران در اول ساله می‌سال گذشته و مخالفت گسترده آنان با طرح اتفاق از از رگان، منجر به خارج شدن کارگاه‌های تا ۵۰ نفر از نشقول قانون کار، که یک فوریت آن در ایستاده اول سال می‌باشد به تصویب مجلس شورای اسلامی رسیده، بیانگر حضور جدی و نسبتاً آگاهانه کارگران گذشت. این است که منجر به عقب‌نشینی و سکوت گذاران طرح فوق از سوی محافظه‌کاران و سرمایه‌داران گشت. اما مجلس شورای اسلامی، در سنت سال گذشته این طرح خد کارگری را مجدد در نستور کار خود توافق کرد و با تصویب نهانی آن، خشم رحمتکشان سراسر کشور را به این اقدام غیرانسانی تعلیم‌گردانی ساخت.

ایهام در قانون کار و ضرورت استقلال سندیکاهای قانون کار جمهوری اسلامی ایران دارای تفاوتات عدیده و ایهام فراوان است. این قانون که برای نخستین بار در سال ۱۳۷۶ انتشار ییرونی یافت ز حقوق کارگران تعریف جامع و روشنی ارائه نکرده است. در قانون کار، حق تشکل مستقل صنفی و حق

تدبیرکارانی مسئول ایران که در اوایل انقلاب به بورت شوراهای کارگری در کارخانجات بوجود نهند در سال ۱۹۸۳ به وسیله انجمان های اسلامی مستقر در مراکز تولیدی محل گردید و به جای آن پروگرامی اسلامی کار، مستقر شد این نهاد وابسته در افرادی اسلامی کار، نیز روی متضاد یعنی کارگر و افرادی های اسلامی کار نمایندگان دو نیزی روی متضاد یعنی کارگر و افرادی های اسلامی باشد که تحت کنترل و نظارت دولتی مدل می شوند، در دی ماه ۱۳۶۳ ساختار شوراهای اسلامی کار در مجلس شورای اسلامی به تصویب نهاد رسید. طبق ماده ۲۴ این قانون، کارگران و افرادی های اسلامی موظفند که تحت مراقبت کمیسیون دولتی مأمور همانگونه شورا را همراه مؤسسه است یکدیگر هم زیستی کنند و از همین رو شورا در سورت عدم پیشبرد وظایف می تواند محل گردد. طبق ماده این قانون، کارگران مستحب در شورا پایه مسلمان باشند و ضمن اختقاد به ولایت فقیه، موارد وظایف دینی خود را به حاکم اورنده زیرا که حقیقت قانون کار مصوبه ۱۹۹۰ مجلس شورای اسلامی، همراه حق دارد که نماینده خود را مستقبلاً این شورا منصب نماید. و استقرار انجمان های اسلامی در مؤسسات با حدف سلطط، کنترل و القا دنیولوژیک بر کارگران صورت می پذیرد.

شایر ساده ۱۳۰ قانون کار، نقش انجمان های اسلامی عبارت است از توسعه فرهنگ اندیشه اسلامی، در حقیقت پیش برد این امر، تحمل نظم اسلامی، و بوجود اوردن جو تفرقه و بدینی در احداثی کارگری است که زیر پوشش دفاع از ستاوردهای کارگران انجام می گیرد. از سوی دیگر، اسکان نیزه های امنیتی و کسل پاسداران مسلح به احداثی تولیدی، هر گونه اعتراض و اعتراض ایجادگران مورد سرکوب شدید قرار می گیرد. لازم به ذکر ای این است که فعالیت شورای اسلامی کار در حیطه های کارگری، به وسیله خانه کارگر هدایت شود و تحت نظرات و وزیر کار و نماینده ولی یه قرار دارد.

محچین خانه کارگر مأموریت برگزاری کنگره های طبقه ای و ملی شوراهای اسلامی را عینده دار و از مین را اسانسنه شورای اسلامی کار مخالف تсталیل تکلیف خانه کارگران در مقیاس ملی است. در ای راکر تولیدی بزرگ بویژه در پخش صنعت نفت و روب امن، رژیم اسلامی مخالف قدر قراردادهای تصفیه جمعی است، با توجه به اینکه ضرورت تضادی از دین قانون کار مطرح گردید و مجلس شورای اسلامی نیز آن را مورد تائید قرار داده است. واحده های بزرگ تولیدی کارگران بارها نمایندگان بود را درون خویش برگزیده اند تا حول معظل پسریته و اجرای قراردادهای دسته جمعی، با نمایندگان دولتی به پای میز مذاکره پیشندند، در منعطف نفت قراردادهای دسته جمعی می باشد هر رسال، مورد تجدید نظر قرار گیرد. اما رژیم تاکنون پذیرش آن خودداری نموده است.

در طی دوران مختلف، کارگران بارها با مبارزات بود موفق شده اند کنترل و نظارت دولتی را از پروگرام حذف نمایندند تا بلکه بتوانند مستقلان مساحتگی های لازم را در کسب مطالبات به عمل

وجود بحران ساختاری در کشور پیش از هر قشر و طبقه‌ای پر دوش کارگران و رحمتکشان سنگنگی می‌کند، حاصل دسترنج آنان را به تاراج می‌برد و زندگی این طیف گستره، جاعده را به ورطه نایابی می‌کشاند.

از خراج کارگران از مراکز تولیدی و عدم پرداخت دستمزد به موقع آنها، منجر به کاهش قدرت خرید کارگران و رحمتکشان کشور گردیده که در عین حال متوجه به فرابیس فقر و تعیق روزافزون شکاف طبقاتی در جامعه گشته است. زنان و مردان کارگر در بازار کار و واحدهای تولیدی از شرایط یکسان و امکان پرور برخوردار نیستند، زنان کارگر همواره از شدت تبعیض جنسی، نایابیری دستمزد و شرایط کار و نیز عدم ارتقاء شغلی دچار ستم مضاungه و شاندهایشان از تحمل رنج این ستم خمیده گشته است. همچنین عدم تصویب طرح بازنشستگی پیش از موعد، پرای کارهای سخت و زیان‌بار، بسیاری از کارگران شاغل را فرسوده ساخته است.

شرایط ناملحوب حاضر با فشار دهای میلیارد دلار استعراض خارجی، هر روز ده میلیون مراکز تولید اقتصادی کشور برویه در عرصه صنایع نساجی، سیمان، پرق و الکترونیک و صنایع لاستیک‌سازی به سرشاریب شکست و ورشکستگی کشانده است. مطابق آمار اعلام شد، و طی مدت کوتاهی پیش از ۵۰ کارخانه کوچک و بزرگ در سطح کشور تعطیل گردیده است و همچنین پیامد اخراج ۷۰ هزار کارگر مراکز تولیدی را به دنبال داشته است. این در حالی است که نرخ رشد بیکاری در جامعه به طور مدام رو به افزایش نهاده و به رقم ۲۰ درصد رسیده است. پرقداری و توسعه بیمه بیکاری و تدوین آئین تأمینهای قانون کار از سوی وزارت کار از دیگر مطالبات جدی کارگران کشور است.

لازم به یاد اوریست که در شرایط کتونی جوانان کشت از ۴۲ سال ۳۷ میلیون نفر از جمعیت کشور را تشکیل می‌دهند. وقوع این شرایط تا سنت بار در حالی است که به علت بالای بودن نرخ رشد جمعیت در کشور، دولت و مسئولین مولتند که سالانه پیش از ۹۰ هزار شغل جدید به وجود آورند و در اختیار متقاضیانی که وارد بازار کار می‌گردند قرار دهند. فشار ناشی از این بحران به دوش مردم زحمتکش پیش از پیش سنگنگی می‌کند و قاب تحمل را از آنان سلب نموده است. گیسخنگی عینی در جامعه و فشار ناشی از بحران یادشده، زیمنه را برای اعتراضات بی‌سابقه تهدیدی و کارگری فراهم کرده است. بروز مطالبات و حوادث دانشجویی و اعتراضات گستره دهها هزار نفره کارگری در خیابان‌های تهران و شهرستان‌ها به مناسب اول ماده روز جهانی کارگر در اردیبهشت ماه امسال و سال گذشته ریشه در معضل پیچیده و پحرانی نظام سیاسی، اقتصادی کشور دارد و اگر راه کارهای صحیح، شناخته شده و ریشه‌ای در جهت حل این معضل ارائه نگردد، این «خوشدهای خشم» در ایند از بمب «آتم» نیز قوی تر عمل خواهد کرد. با گذشت پیش از دو دهه از انقلاب بهمن جمهوری اسلامی، اجازه تشکیل آزادانه احزاب و سازمان‌های سیاسی و همچنین حق تشکیل مستقل و سراسری کارگران را پذیرفته است و همواره تلاش داشته است که موانع متعددی را بر سر راه تشکیل آین تهادها قرار دهد.

این حکومت همواره با عمل دستگیری و زندانی نسوزن فعالین سیاسی و سندیکاتی مانع اصلی شکل‌گیری تشکیل‌های مستقل بوده است

لامايانا تيوپورك قابل مقایسه بود. در حال حاضر ما نمايش نامه تويسان سياهابورست زياري دارييم که گذشته و حال اين سرزمين را به شدت مورد بحث و بررسی قرار مي دهد. بعضی اينکه آنها از سنت هاي شفاهي و احساسی خود استفاده کرده تا تئاتر «واردادتسي» اروپائني را مستحول ساخته و بد آن مضمون جديدي پختند.

۵ ما به اين نتيجه وسیدم که غرب در حال حاضر ابزار ديكري را جهت ادامه سياست توسعه طلبانه خود مورد استفاده قرار مي دهد. جهانگي شدن اقتصاد پر بايه تكنিক رسانده اين يزاري تکثر فرهنگي جايي باقه نوعي گذاشت.

۶ اگرچه هماچنان توانيتيم مطمئن باشيم که اين تکنيک چهاره گونه گون فرهنگها را به نمايش در خواهد آورد، من توانيتيم موافق آن باشيم. اما هر جائی که من رفتم در کشورهای ديگر آفرقيانی، در اروپاي شرقی و در هندوستان، مخرج مشترکی بر آن غالب بود و آن هم فرهنگ امریکائی بود.

۷ آيا تهدیدي را احساس مي کنيد؟

۸ بدله و خيلي های ديدگر گرم که تگران فرهنگ هاي اصيل هستند نيز چzin احساس دارند. قضие يك اشكال اساسی دارد: آن چيزی را که ظاهرا مردم می خواهند به آنها داده می شود و سپس در تلوزيون سریال آمریکائی را می بینند که ارزش های جامعه خاصی را انعکاس می دهد. از آنجانه که کشورهای فقير امکانات مالي در اختیار ندارند تا بر تابعه هاي خود را تولید کنند، اين تصور به وجود می آيد که فرستدھاي آمریکائی نيازهای انسانها را در سراسر جهان ارضاء می کنند. اصلاً تلاشی برای درک احتجاجات واقعی آنها صورت نمی گيرد. در همين جا سخنوار فرهنگی در حکومت ها و رسانه ها رافرا

۹ می خوانم تا چاره جوئي کنند.

مورود پژوهش قرار دادن، اینجا و یا آنجارا و شناسی پیشخشیدن، آیا تجارت این کار ادای سهم در برابر انسان نیست؟ میلواش زمانی که متاثر از ناسیونال سوسیالیسم بود این جمله را نوشت، هنگامی که آخرین دفعه از هنر خود را در فعالیت سیاسی می‌دید. ۵۰ از نظر شمامه آبهای شیطانی، سلمان رشدی تأثیر مشابه نزدیکی بر جامعه نواعتماری هم چون «حلل فلزی» گوشت  
کراما بر جامعه آلتان پس او هفت دارد.

❶ به خاطر نثر شاعرانه و نیروی فانتزی، «آیده‌های شیطانی» نه تنها بینادگرانی مذهبی را بلکه هم چنین استیمار را در عظمت دروغین ایشان ایجاد کند.  
«آیده‌ای شیطانی» شنان می‌دهد که گچگونه همه جا و در تمامی چیزهای انسان را توسط حاکمان تحت ستم قرار گرفته، اولاره گشته و خنثان بر قرار می‌گردد.

❷ خانم کوریدیر تعبادگوئه کوئنی در عنین حال کامل بودن کاراکتر فرهنگ آفریقایی تاکید کرده و خط فاصل بین آن با مقاولاتی تک بعدی از نوع آمریکای شماشی و اروپایی را ترسیم نمودید. آیا فکر می‌کنید که این قاره بتواند سنت های خود و نشاط معنوی آن و خود بودن خود را در بر اسیر بیشرفت و گسترش تکنیک و صفتی شدن خفختن نماید؟

❸ نه فکر نمی‌کنم. اما فکر می‌کنم و امیدوارم که از زنجیرها را غنی سازد. برای نسونه تاثیر ما جانی که تا ان هنگام فقط نشایش‌های موزیکال برآورده و کنده و سوتانند لذتین و بعضی نشایش‌ها از نشایش‌نامه‌های سان افریقائی، البته سینه‌پوست بربروی صحنه می‌آمد تغیر اساسی نموده است. یکی دو نفر از دست اندرکاران سینه‌پوست تاثیر گزوه‌ی را با سیاپوستانی که معمولاً سرای دکور صحنه از آنها استفاده می‌شد تشکیل دادند. بدین ترتیب یک تاثیر سیاپوست غیرنژادی به وجود آمد که با تاثیرات

۵۰ دهند فرادر می‌رود. بنابراین رئالیسم چیز دیگری غیر از نوعی حضور واقعیت، آن گونه که نویسنده نزا در کی می‌کند نیست. ادبیات به اصطلاح پستدرمن افروزین به این سمت گراش دارد تا این اتفاقی را هر چه بیشتر پیاره پاره کند، اما این کار به معنای این است که بخواهیم دم مارمولک را بسیریم، مارمولک به زندگی ادامه خواهد داد و رمان هم در پاره‌هایش وجود خواهد داشت. در عین حال من بای خرسنده شیخیں داده که رمان دوباره آرام آرام اداری گفتی فلسفی می‌گردد؛ آن کیفیتی را که بعد از اینیتی مالیسم البرکامو کم داشته است. و رمان فشا رای گزین باقی می‌گذارد که دیگر نه تنها نشان‌دهنده این چیزی است که نویسنده در آن وارد کرده بلکه اثر خود را سایر امکان پر نماید. جایزه ادبی توپل هم چنین دیدگاهها و ارزوهای خواندنده‌ای که در تن لب سخن می‌گشاید. در نتیجه رمان فرمی باز دارد که بذیرای مشمون‌های متعدد است، دعوتی پیوسته از لراسی رئالیسم.

۵۱ شاید بار به جلازو مبلوش شاعر معروف لهستانی که در حال حاضر در برکلی زندگی می‌کند استناد کرده که گفته بود: «شعر و شاعری که نه زندگی انسان‌ها و نه زندگی تحقق‌ها و انجات‌ها دهد چه معنایی دارد؟»، بنابراین نویسنده موظف است تا زمان خود و فجایی آن را بلااواسطه مورد تکنداشت قرار دهد و توسط واژه که خود یک سلاح است بروز آنها تأثیر بگذارد.

۵۲ این سوال مبلغه همیشگی نویسنده‌گان بوده است. بعضی‌ها هم آن را این گونه فرموله خواهند نمود: شعر و شاعری که هدف اش تنها فایده رساندن به انسان‌ها می‌باشد چه معنایی دارد؟ نظرور ما از «فایده‌مند» بودن چیست؟ شعری سروdon و در راه اکتشاف قدم گذاشتن و جنبه‌های مختلف یک راز را از نزدیک

لیسی ها، هر کدامشان شعائر و مراسم خاصی خود را  
رند. در این راسته فقط سفیدپوستان افریقایی  
نوبی دچار ترس می باشند چرا که برتری خود را از  
بست داده اند. برای آنها فرهنگ همان نشانه دهنده  
لطه آنهاست، چیزی که در حال حاضر دیگر وجود  
دارد و هیچ چیز هم نمی تواند اثر ایجاد کند. اما ما با  
تون اساسی و حکومت جدید یک خلق نشده ایم.  
من که همه ما در کشور هم زندگی می کنیم واقعاً یک  
مجوز است. اما واقعیت اغلب چیز دیگری است.  
اگر پرستی قدیم خود را از نو بینی در مدرسه و  
در کارخانه نشان من دهد. آن معجزه می بایستی که  
ر روزه اتفاق افتد.

۰ شعاعیانی اشاره نمودید که رمان عرباب اثر اویستون  
میکل در روابطه باکستانگاههای شیکاگو تأثیر خاصی بر  
ایران داشته است، زیرا که شما را به یاد گاریان  
با یادبود معدن در اسپرینت می انداخته گه شما از دوران  
وکیقان عی شناخته اید.

● این کتاب تاثیر ماندی بروی من گذاشت چرا که  
ر خانواده ام و در میان دولتیان کسی عشو سندیکا  
مود. و من حتی نمی دانستم که سندیکا چیست و این  
کارگران دارای حق و حقوقی هستند. هیچ وقت به  
من من خطا نکرده بود که کارگران مشکل هم  
توانند نمی مقاومت و اعتراض باشند.

○ بعضی خود را بیرون سنت های یک و تالیست نمی دانید،  
آن کوئه که ویژکی ادبیات اروپا در قرن نوزده بوده و از  
خشی جهان هم ویژکی ادبیات نوین آفریقا می باشد.

● ابتداء این سوال پیش می آید که متنظر از  
ر ثالیسم «چست. شاید به درد ژورنالیسم بخورد  
امکاناتش محدود است. برای یک نویسنده اما  
بیزی غیرواقعی تر از رثاليسم وجود ندارد. نویسنده  
کار خودش از کاری که بهترین ژورنالیست ها نتاجم

«بِهِ مَا هُمْ فَرِصَتُ بِدَهِيدٍ»

۱۲ صفحه از ادامه

اروند که تنها می توانند یک چک را بخواهند، انسان هایی که دد نصیب شان نمی گردد، از نظر

علیه انسانیت است.  
ن لس نفوود که شنا تا چه اندازه  
دن ادبیات نوین آفریقا ارزش  
رهاییگش علی حمایت به عمل  
ستخواری علیه حاکمان سیادبوست  
در اینجا عابانویسندگانی از قبیل  
خیلی های دیگر سروکار داریم که

د معروف نیستند. نیکنگاری  
تکنی سیاسی و اجتماعی، و فتار آنها  
خواهد داد.

خطرناک و غلط رژیم را افشا  
ور شدن در جامعه تلاش کردند

واقعیت را نمایان سازند.  
زنده مانند و بعضی های  
رسیدند و این غم انگیز و  
در آفریقای جنوبی تعدادی از

دست صحت می شود، آیا امکان  
راز دادیم، چنین  
راحتی به دست نیاوردهایم.  
نیاز به هویت فرهنگی و یا از

وزی آرائش پذیره؟  
ست. فکر می کنم که ما باید  
فرهنگی را پذیریم. اما قبول  
وستان افريقيا جزوی سپيار  
ها، ايتاليانی ها، یونانی ها و

